

پست مدرن و موسیقی

بهمن مه آبادی

The image shows a page of a musical score for the piece "Black Angels" by George Crumb. The score is written for a guitar and includes various performance instructions such as "shout ff", "arco sul pont.", "trillo di diavolo", and "trinaдцать!". The notation is highly complex and experimental, characteristic of post-modern music. A large blue watermark "بهمن مه آبادی" is visible across the page, and the name "Crumb, Black Angels" is printed vertically on the right side.

بخشی از پارتیتور قطعه "فرشتگان سیاه" اثر جورج کرامب

امروزه کسی بدرستی نمی‌داند که تاریخ موسیقی مدرن از چه زمانی شروع شده است. زمانی که ریچارد واگنر^۱ دست به آفرینش اپراهای خود زد، موسیقی گام در مرحله‌ای نو گذاشت اما این پایان کار نبود. دبوسی^۲ امپرسیونیست، با آثار خود جهانی را به دگرگونی دعوت کرد و راول^۳ نوعی از موسیقی را ارائه نمود که در ابتدا با

¹ Richard Wagner (1813-1883)

² Claude Debussy (1862-1918)

³ Joseph Maurice Ravel (1875-1937)

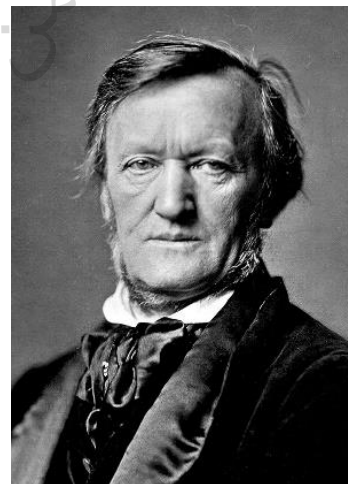
ناخشنودی شنوندگان سنتی مواجه گردید. در سرآغاز قرن بیستم و درست زمانی که تحولات قدری سریع‌تر اتفاق می‌افتاد، اینشتین، تئوری نسبیت خود را به جهانیان عرضه نمود و پیکاسو^۴ در جستجوی گم‌شده‌ای ناشناخته،



پابلو پیکاسو - ۱۹۶۲



موریس راول - ۱۹۲۵



ریچارد واگنر - ۱۸۷۱

هنر نقاشی را در کاوشی تاریخی به کوبیسم^۵ راه برد و ایگور استراوینسکی^۶ پرده‌های پندار را از تجریدی‌ترین هنرها درید و مدرنیسم را آنچنان که در چارچوب خلاقیت او می‌گنجید، وارد عرصه‌های موسیقی ساخت و هارمونی



واسیلی کاندینسکی

دچار تغییرات شگرفی شد. آرنولد شوئنبرگ^۷ قدم بعدی را برداشت و دیگر متفکران نوگرا همچون واسیلی کاندینسکی^۸، موسیقی را در نقاشی نواخت و کروماتیسیم جادویی را با رنگ‌های معجزه آسای خود در آثارش دمید و با تونالیت‌های گوناگون رنگ، اکسپرسیونیسم را در هنرهای تجسمی معنا کرد و راهروانش در قدم‌های بعدی چیزی را تدارک دیدند که از حوزه تخیل و تفکر آن‌هایی که در نخستین سال‌های سده بیستم می‌زیستند خارج

⁴ Pablo Picasso (1881-1973)

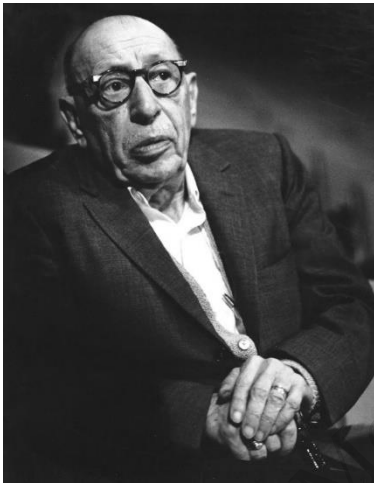
⁵ Cubism

⁶ Igor Stravinsky (1882-1971)

⁷ Arnold Schoenberg (1874-1951)

⁸ Wassily Kandinsky (1866-1944)

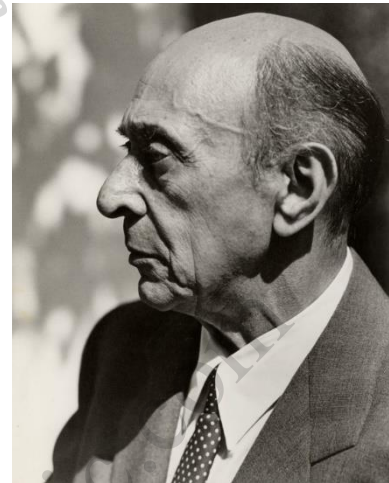
بود. از دهه چهل و پنجاه قرن بیستم به بعد، موسیقی در بستر تحولات غیرقابل پیش‌بینی قرار گرفت و البته به مانند دیگر عرصه‌های علوم و هنرها دگرگون شد. امروزه نظریه اینشتین، طرح پیکاسو و اقدام استراوینسکی امری پیش‌پا افتاده به نظر می‌رسد و چه بسا که انسان امروز، بسیار فراتر از آنچه که آن روزها اتفاق افتاد، قرار گرفته و



ایگور استراوینسکی - ۱۹۶۸



کلود دبوسی - ۱۹۰۸

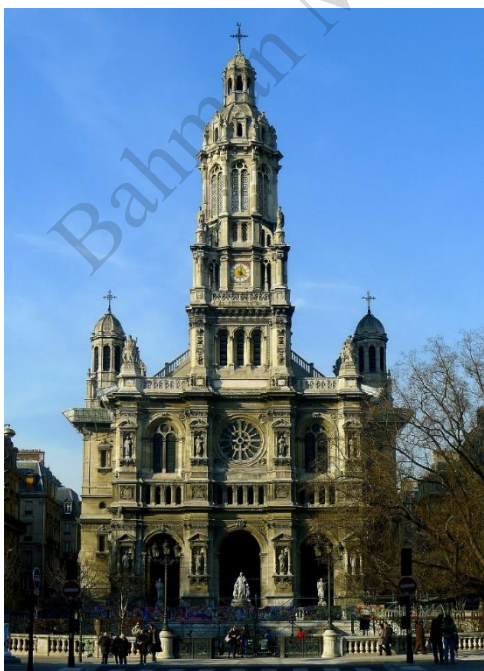


آرنولد شوئنبرگ - ۱۹۴۸

همچنان به کشف مرزهای ناشناخته دیگر می‌اندیشد. انگاره‌های متفکران این قرن، اراده آدمی را به قدرت دانایی معطوف ساخته است. این تغییرات فاحش، ساختارهای کهن را درهم ریخته و چشم‌اندازهای تازه‌ای را برای آدمی به ارمغان آورده است. بی‌تردید این همه از برای انسان‌های متفکر و ژرف‌طراحی می‌شود و نادانی، نفهمی، زور و اجبار را در آن راهی نیست اگرچه صاحبان بی‌سواد زر و زور تا حد ممکن تلاش می‌کنند تا بتوانند سوار موج شوند اما تاریخ دانایی نشان داده است نور خاموش نشدنیست و ریشه‌های معرفت و نجابت علی‌رغم سال خوردگی همچنان زنده و پاینده‌اند. در این آرمانی‌شهر اندیشندگان دردمند، شعار جای شعور را نگرفته و عشق همچنان شعله‌ورترین آتش‌هاست و موسیقی راستین که از دل اندوه، تحقیق، سواد، دانایی و از چشمه درد می‌جوشد، راه پر افتخار خود را همچنان خواهد پیمود زیرا اورفئوس آنقدر به نواختن ادامه خواهد داد تا کلاغان بپرند و صبح بدمد و راه‌های تازه‌ای در زیر انوار زرین آفتاب نمایان شود و دگرگونی‌ها سرعتی افزون‌تر گیرند. موسیقی هم در این مسیر دستخوش تحول بسیار خواهد شد.



اولیویه مسیان - ۱۹۸۶



ترینیتیه - پاریس

اولیویه مسیان^۹ آهنگساز فرانسوی متولد ۱۹۰۸ از شخصیت‌های مطرح هنری است که نقطه عطفی در تاریخ موسیقی مدرن به شمار می‌آید، او راه را برای پست‌مدرنیست‌های بعدی گشود. وی ابتدا در مقام ارگ‌نواز، منتقد و نویسنده موسیقی، کار خود را شروع کرد و به عنوان یکی از بنیان‌گذاران گروه فرانسه جوان^{۱۰} با ژولیو^{۱۱}، لسور^{۱۲} و بودریه^{۱۳} همکاری صمیمانه داشت. او در دوران تحصیل خود در کنار دروس موسیقی، به آموزش ریتم و موسیقی هندی همت گماشت و نقش عمده‌ای را در تحول ریتم و توسعه ریتم‌های پیچیده در موسیقی ایفا کرد. زمانی که وی در ترینیتیه^{۱۴} به بداهه‌نوازی پرداخت جایی که ارگ می‌نواخت و تدریس می‌کرد از اقصا نقاط برای دیدن او و شنیدن موسیقی‌اش هجوم آوردند. مسیان در حدود سال ۱۹۴۲ به استادی هارمونی کنسرواتوار رسید و روش‌های زیبایی‌شناسانه خود را در هارمونی ارائه نمود. او با به تحریر درآوردن نظریه‌های خود، موسیقی قرن بیستم را در سال‌های دهه پنجاه دگرگون ساخت و با این اقدام سریل^{۱۵} را عمومیت بخشید. در آثار مسیان، ملودی و ریتم چنان از غنایی برخوردار است که دست

⁹ Olivier Messiaen (1908-1992)

¹⁰ La jeune France (Young France)

¹¹ André Jolivet (1905-1974)

¹² Daniel Lesur (1908-2002)

¹³ Yves Baudrier (1906-1988)

¹⁴ Sainte-Trinité, Paris

¹⁵ Serial

نیافتنی می‌نماید. او در سیر آزاد خود، با تقلید از آواز پرندگان به تصنیف آثاری دست زد که موسیقی‌اش را نامیرا ساخت. قطعه "بیداری پرندگان"^{۱۶} (۱۹۵۳) برای پیانو و ارکستر، "پرندگان غیربومی"^{۱۷} (۱۹۵۵) برای پیانو و ارکستر مجلسی و "کاتالوگ پرندگان"^{۱۸} (۱۹۵۸) از این مجموعه هستند. مسیان "رویاهای آمین"^{۱۹} خود و "20 نگاه به کودکی مسیح"^{۲۰} را برای پیانو نوشت؛ سمفونی "تورانگلیا"^{۲۱} در ده موومان و کوارتت "آخر زمان"^{۲۲} برای پیانو، ویلن، کلارینت و ویلنسل به همراه بسیاری دیگر از آثارش، او را از پیام‌آوران موسیقی سده بیستم ساخت. اولیویه مسیان در ۱۹۶۷ به عضویت انستیتوی فرانسه درآمد و به احترام اقداماتش در دگرگونی‌های موسیقی و پرچمداری انقلاب بزرگ موسیقی نیمه دوم قرن بیستم نامش را بر روی کوهی در یوتا^{۲۳} گذاشتند.

Réveil des Oiseaux
pour Piano Solo et Orchestre

OLIVIER MESSIAEN

Un peu vif (♩ = 116) Solo de Rossignol 夜莺的独唱

PIANO SOLO

Piano Solo

Piano Solo

(sonorité: pincé) (tikotikotiko, comme du clavecin)

بیداری پرندگان اثر اولیویه مسیان

- ¹⁶ Réveil des oiseaux (Awakening of the birds)
- ¹⁷ Oiseaux exotiques (Exotic birds)
- ¹⁸ Catalogue d'oiseaux (Catalogue of birds)
- ¹⁹ Visions de l'Amen (Visions of the Amen)
- ²⁰ Vingt regards sur l'enfant-Jésus (Twenty gazes upon the child Jesus)
- ²¹ Turangalîla-Symphonie
- ²² Quatuor pour la fin du temps (Quartet for the End of Time)
- ²³ Utha - Mount Messiaen



کارل هاینز اشتوکهاوزن - ۲۰۰۴



فرانک مارتین



آنتون وبرن - ۱۹۲۷

وی در این مسیر از مدرنیسم گذشت و به ماورای مدرنیته قدم گذاشت. اولیویه مسیان در دوران زندگی خود که تا سال ۱۹۹۳ ادامه داشت، نسل بعدی موسیقی جهانی را تربیت کرد و با تبلیغ لزوم تحول، آنان را انسان‌هایی متحول بار آورد. به جرات می‌توان ادعا کرد که او الهام‌بخش بی‌چون و چرای نسل بعد از خودش بود، نسلی که گاه در آثار خود از این هنرمند متفکر نیز فراتر رفت. اشتوکهاوزن^{۲۴}، بولز^{۲۵} و دیگران از مسیان بسیار آموختند؛ پس بی‌راه نیست که یکی از توسعه دهندگان قدرتمند سبک مدرن و یکی از اصلی‌ترین ابداع‌کنندگان موسیقی الکترونیک را کارل‌هاینز اشتوکهاوزن آهنگساز جنجال برانگیز آلمانی متولد ۱۹۲۸ بدانیم. او در ردیف اولین آهنگسازان مصنف موسیقی الکترونیک و از پیشگامان نمونه‌های چاپی این نوع موسیقی به‌شمار می‌رود. اشتوکهاوزن از شاگردان مارتین^{۲۶} در کلن بود. وی در پاریس نیز با اولیویه مسیان مدت‌ها به کار پرداخت و از تجربیات با ارزش مسیان بهره‌ها برد. اشتوکهاوزن در دوران اولیه کار خود، تحت تأثیر وبرن^{۲۷} و شیوه دوازده تنی^{۲۸} او، آثاری را در این زمینه بوجود آورد که موجبات دگرگونی‌هایی را در موسیقی جهانی فراهم ساخت. اشتوکهاوزن از ۱۹۵۶ به بعد به آزمون‌های نو دیگری در موسیقی

²⁴ Karlheinz Stockhausen (1928-2007)

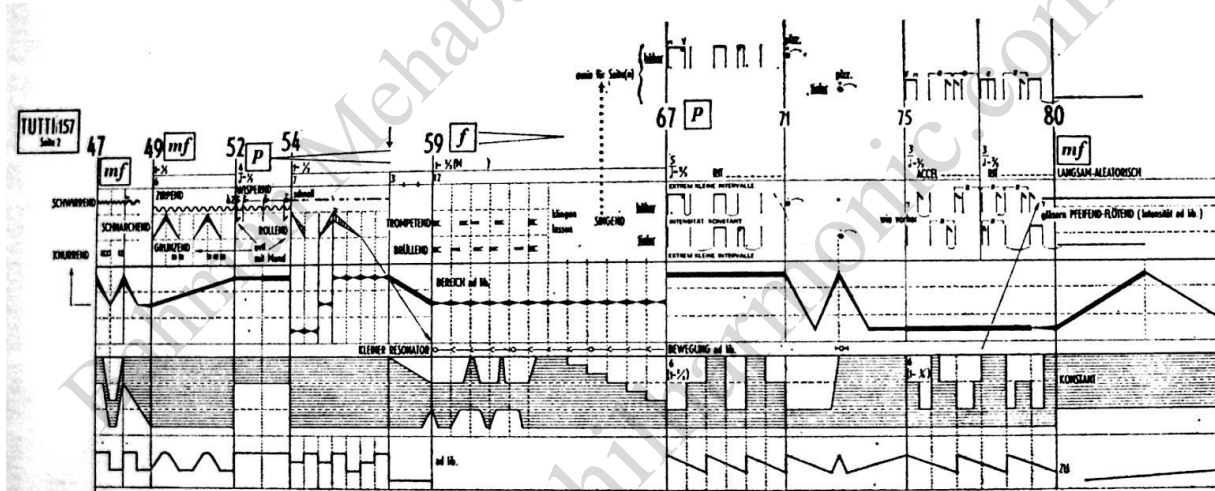
²⁵ Pierre Boulez (1925-2016)

²⁶ Frank Martin (1880-1974)

²⁷ Anton Webern (1883-1945)

²⁸ Twelve-tone technique

دست زد که در آن‌ها موسیقی غیرمدرن و اصوات ضبط شده بر روی نوار، ویژگی تازه‌ای را به آثار او داد. وی یک سری کامل از اپراهای خود را تحت عنوان جامع برای "نور"^{۲۹} تصنیف کرد. این کارها همچون یک پروژه، برای الکترواکوستیک به انضمام نور و رنگ ساخته شده بود و شباهت عجیبی را به موسیقی راک القا می‌کرد. این موسیقیدان شورشی قطعه "گروه‌ها"^{۳۰} را برای سه ارکستر با سه رهبر به سال ۱۹۵۷ تصنیف کرد. "بازی شطرنج و یا بازی متقابل"^{۳۱} (۱۹۵۱) برای چهار ساز ابوا، باس کلارینت، پیانو و پرکاشن، "اندازه‌گیری زمان"^{۳۲} (۱۹۵۶) برای پنج ساز، "تماس‌ها"^{۳۳} (۱۹۶۰) برای نوار مغناطیسی، پیانو و پرکاشن، و "میکسچر"^{۳۴} (1964) برای ارکستر از دیگر آثار اشتوکهاوزن هستند.



بخشی از پارتیتور قطعه "میکروفون ۱" اثر کارل هاینز اشتوکهاوزن

موسیقیدانان در این دوران در یک حس مشترک و در پی یافتن قلمروهای تازه، در فضای صداهای قدیمی به سال‌های پر شتاب پیشرفته‌ای اندیشیدند که شکل گویش مخصوص خود را طلب می‌کرد و در این راه شوئنبرگ را به عنوان الگو بر گزیدند و با اشتیاقی وصفناپذیر و برهانی قاطع، راه او را ادامه دادند. این روش نوین، جنبشی

²⁹ Gigantic opera cycle Licht (Light)

³⁰ Gruppen for three orchestras

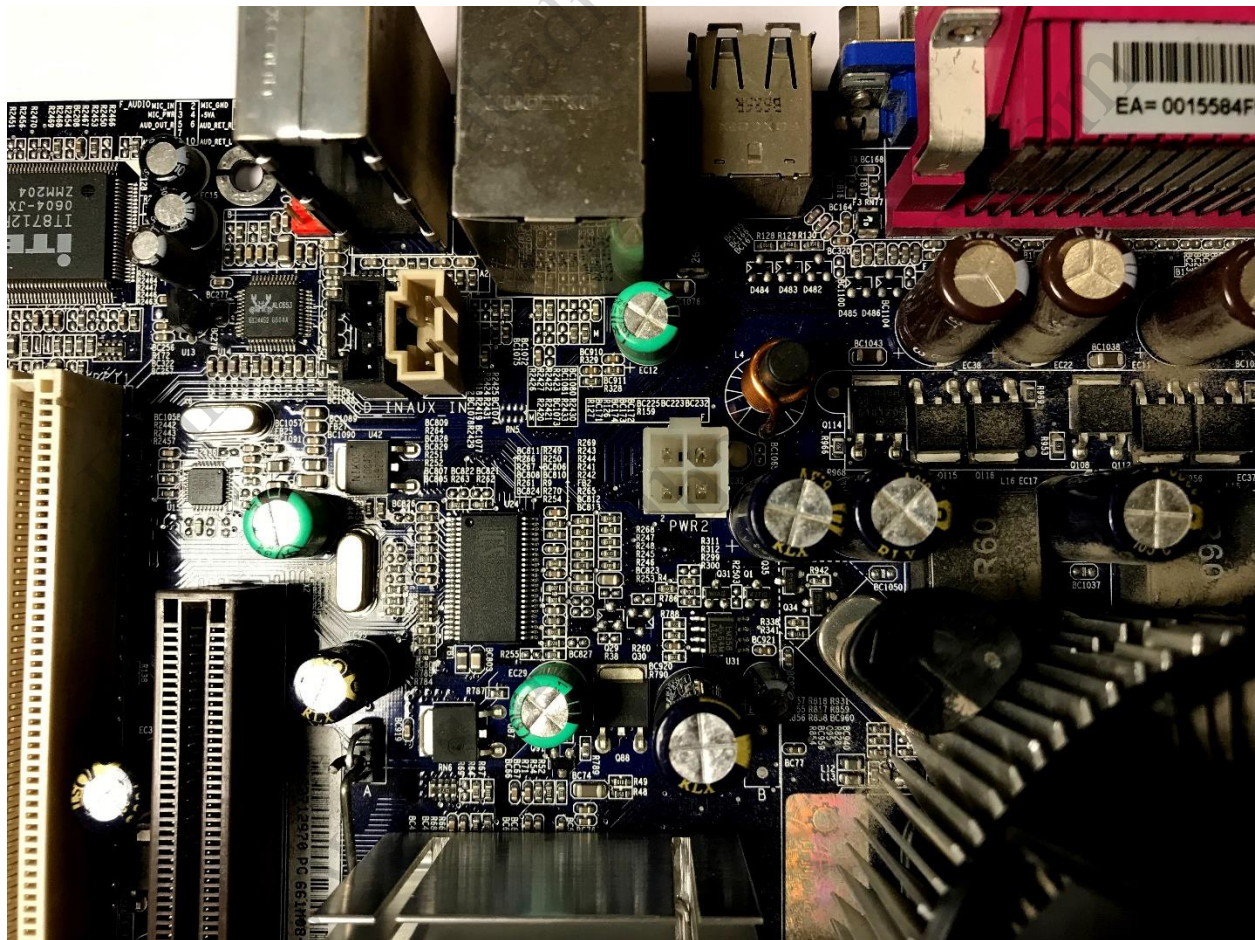
³¹ Kreuzspiel

³² Zeitmaße (Time Measures)

³³ Kontakte (Contacts)

³⁴ Mixtur (Mixture)

را برای جلوه‌گری موسیقی‌ها و فیگورهای نو تدارک دید که به پی‌یر بولز، لوچانو بریو^{۳۵} و پیشروان دیگر ختم شد که تا آخرین سال‌های دهه نود قرن بیستم امتداد داشت. این زندگی جدید و نو را پست‌مدرن^{۳۶} نامیدند ولی در عین حال عده‌ای معتقد بودند که این اطلاق، یک تناقض صرف بیش نیست. اما اقوال جمعی اذهان بیدار جهانی، خبر از دگرگونی شگرفی را به گوش بشریت رساند و در طی این مانیفست دقیق، بسیار فروپاشی‌ها و دگردیسی‌ها را پیش بینی کرد؛ زیرا اگر انسان ابتدای این قرن دست مصنوعی را به بشر هدیه داد و از ساخت ربات خشنود به نظر می‌رسید، این جماعت متفکر آخرین سال‌های سده بیستم و بیست و یکم، مغز اندیشمند و هوشیار را طراحی

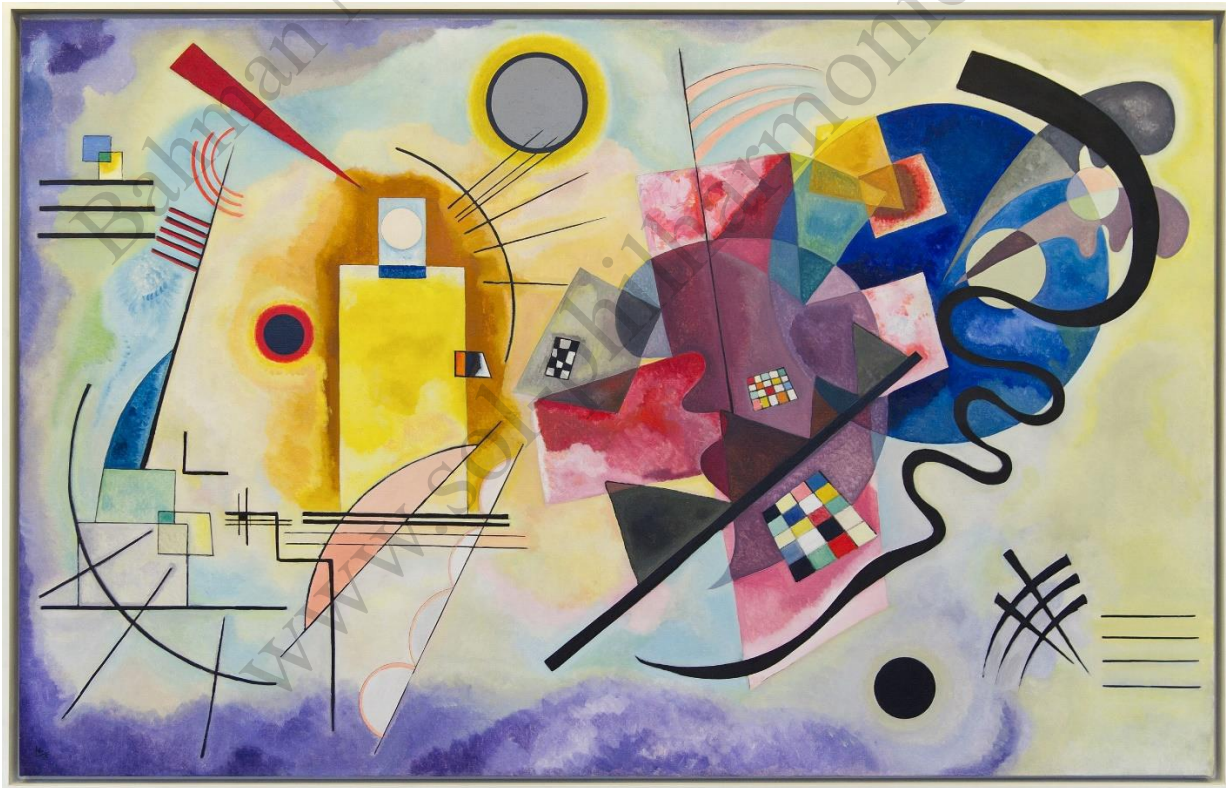


ابزار - هوش مصنوعی

³⁵ Luciano Berio (1925-2003)

³⁶ Post Modern

کرده و در گرامیداشت والاترین تفکر آن را به سطوح مختلف اجتماع بشری وارد کردند که این البته یک واکنش طبیعی و قابل انتظار در جهان پیشرفته امروز بود. در این قرن پیشرو، موسیقی نیز همچون دیگر شاخه‌های هنر و علم رو بسوی دگرگونی نهاده و از حالت‌های سنتی دور شد؛ ملودی‌ها و ریتم‌های احساساتی و هیجان‌انگیز به همراه برانگیزانندگی و افسونگری خود، کیفیت‌های نو موسیقی‌های آنتیک را که به هر حال مرتبط به جنبه‌های سیستم مطالعاتی اتنوموزیکولوژی بود با خود همراه کرد. موسیقی پست‌مدرن آمیزه‌ای از سنت و مدرنیته را ارائه کرد که ضرورتاً مارک کهن آیینی، به آن چیزی جز اتهام یاوه نمی‌تواند بود زیرا این پست‌مدرن‌ها بودند که سهم عمده تفکر موزیکال و تکنولوژی پیشرفته و برتر را به خود اختصاص دادند و به این قدر نیز اکتفا نکرده، تندتر و پیشروتر از زمان، در این عصر دگرگونی حرکت کردند تا به مقصد برسند؛ آن‌ها نیک می‌دانستند که گذشت زمان قابلیت درک آثارشان را بیش از پیش فراهم خواهد ساخت.



"زرد-قرمز-آبی" اثر واسیلی کاندینسکی، ۱۹۲۵ - موزه هنر مدرن پاریس

در قرن بیست و یکم موسیقی پیشرو، در چهره‌های بسیاری را برای دستیابی به کمال لازم در جهت برقراری رابطه و ایجاد دیالوگ گشوده است. دگرگونی‌های بی‌حد و حصر ماده اولیه موسیقی در سده بیست و یکم، تا به آن حد فراتر رفته است که منجر بهم ریختن کلیه شیوه‌های قدیمی آهنگسازی، اجرا و بالاخره موزیکولوژی شده و به تغییر تلقی موسیقیدان و شنونده منتهی گردیده است. بدنبال این تحولات، موسیقی در موقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و ذهنی تازه‌ای قرار گرفته و به امر برداشت مردم از آن، جایگاه تاریخی-هنری و شیوه‌های اجرایی، شکل تازه‌ای داده است. این همه یک جریان فورمالیستی نیست زیرا انسان متفکر معاصر در جوامع مدرن بدنبال تحقق ایده‌های خود، بسی چیزها را نیز دچار تغییرات فاحش کرده است. بندگسلی، استقلال‌طلبی و آزادی در کنار ساخت و پرداخت انواعی از سلاح‌های در خدمت افکار مسموم اهریمنی برای حفظ قدرت پوشالین، تمام عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی و هنری را درنور دیده است.

26

V. Time is a Drifting River: A Psalm for Daybreak and Morning (Instrumental Interlude)

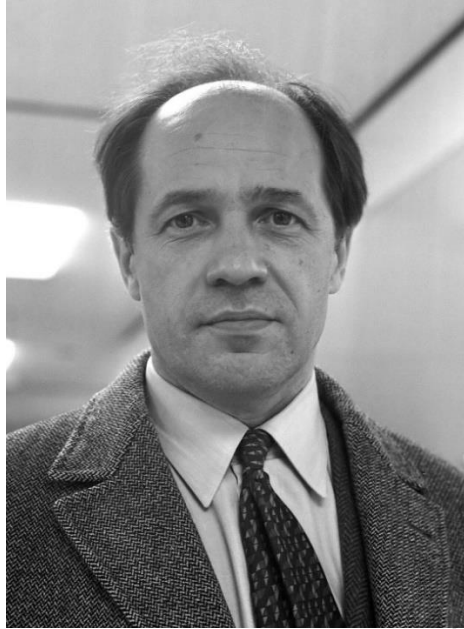
Segment "A" begins precisely at the indicated point during the second revolution of the "Circle-Music".

N.B. This symbolic "sun-burst" notation should be read as follows: The piece begins at [32] with the "Circle-Music" (percussionists 2, 3 and 4). At the indicated point during the second revolution of the "Circle-Music" segment "A" begins. After "A" is completed there is a pause of approximately 3 seconds, then segment "B" is played, again followed by an approximate 3 second pause, and so forth through all the segments. After "F" is completed (and by the second slide whistle passage), percussionists 2 and 3 (at whatever point they are) play an additional seven groups of 3, 4 or 5 notes (accompanied by percussion 4 as written), ending in a "fade out" to total silence.

Scrape over about two inches of the metal winding of the bass strings with four fingernails. Make a single rapid stroke (with the motion of the stroke away from the player and towards the rear of the piano).

A piece of well-resined heavy thread should be attached to the upright support just below the cymbal. The thread is held by the left hand above the cymbal (with some tension) so that it rests against the edge of the cymbal. When the thumb and forefinger of the right hand slowly move along the thread (while firmly pinching it), an eerie high-pitched (quasi harmonic) sound is produced.

"زمان، رودخانه‌ای در حال گذر" بخشی از قطعه "رودخانه زندگی" اثر جورج کرامب



پی‌یر بولز - ۱۹۶۸

پی‌یر بولز از طرفداران اصلاحات و ایجاد امکانات جدید در موسیقی است. طوری که او در ۱۹۶۰ که شاید بتوان آن را زمان اوج پذیرش موسیقی مدرن از سوی محافل علمی دانست اظهار می‌دارد: "دیگر امکان تصنیف اثر با روش‌های اجرای قدیمی ملودی، ریتم و هارمونی به پایان رسیده است." این البته برای اولین بار نیست که چنین نظریه‌ای ابراز می‌شود زیرا استراوینسکی، هیندمیت^{۳۷}، بارتوک^{۳۸} و شاید پندرسکی^{۳۹} نیز چنین اندیشیده‌اند. پی‌یر بولز متولد ۱۹۲۲ در مونت‌پریسون^{۴۰} فرانسه آهنگساز فرانسوی، برای دانش‌اندوزی و

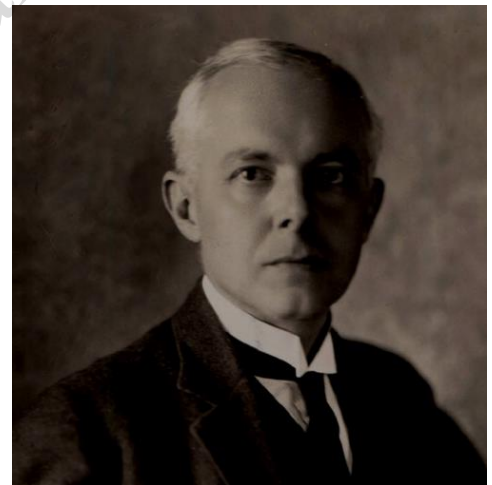
کسب مهارت‌های لازم به پیش اولیویه مسیان و رنه لایبویتز^{۴۱} می‌شتابد و تجربیات شایان توجهی را از استراوینسکی و مسیان در تکنیک نوین دوده کافونیزم^{۴۲} کسب می‌کند و شیفته کارهای آنتون وبرن شاگرد نامدار شوئنبرگ می‌شود.



رنه لایبویتز - ۱۹۶۰



پائول هیندمیت



بلا بارتوک

³⁷ Pavl Hindemith (1895-1963)

³⁸ Bela Bartok (1881-1945)

³⁹ Krzysztof Penderecki (1933-2020)

⁴⁰ Montbrison

⁴¹ René Leibowitz (1913-1972)

⁴² Dodécaphonisme (Twelve-tone Technique)

بولز از پیروان و گسترش دهندگان متدهای تکنیک دوازده تنی برای ارگانیزه، در خویشاوندی با بافت‌های ریاضی ریت‌ها، داینامیسم و غیره حساب می‌آید. او در استعمال فضاهای افکتال، تجربیات جدیدی را به عرصه‌های مختلف موسیقی وارد می‌کند. آثار در بردارنده قطعات پیانو وی، اغلب با پیچیدگی‌های وسیع و با دستورالعمل‌هایی برای اجرا همراه هستند. قطعه "پتک بدون استاد"^{۴۳} برای کنترآلتو و ارکستر مجلسی و "چین در چین"^{۴۴} برای ارکستر به همراهی سوپرانو، "پرتراهی از مالارمه"^{۴۵} برای سوپرانو و ارکستر، از آثار گزیده موسیقی قرن بیستم به حساب می‌آید. پی‌یر بولز با بنیان‌گذاری و سرپرستی لابراتور تحقیقاتی موسیقی رادیو بادن-بادن^{۴۶} نقش عمده‌ای را در حل و فصل موسیقی علمی الکترونیکی ایفا کرده و همانند موسسات تحقیقاتی کلن و میلان به ژرفنگری و تعمق در زمینه‌های این نوع موسیقی یاری رسانده است.



استفان مالارمه^{۵۱} اثر نادار^{۵۲} - ۱۸۹۶

او با رشادت و پایداری خاصی از عقاید و آرا زیبایی‌شناسانه موسیقی مدرن به دفاع بر می‌خیزد و گاه نیز با تندی مخالفان خود را بر سر جای خود می‌نشانند. "خورشید آب‌ها"^{۴۷} برای صدای انسان و ارکستر "اکلا"^{۴۸} برای ارکستر مجلسی، "تصویر شب از دواج"^{۴۹} برای سلوی آواز، کر و ارکستر، "پلیفونی ایکس"^{۵۰} برای هیجده ساز از دیگر آثار بولز می‌باشد. او در دهه ۱۹۵۰ همانند یک قهرمان مدرنیست آوانگارد، جهانی را به تسخیر خود در می‌آورد.

⁴³ The Hammer without Master

⁴⁴ Fold upon fold

⁴⁵ Portrait of Mallarmé (Pli selon pli)

⁴⁶ Baden-Baden

⁴⁷ Le Soleil des eaux (The Sun of Waters)

⁴⁸ Eclats

⁴⁹ Visage nuptial (The Nuptial Face)

⁵⁰ Polyphony X.

⁵¹ Stéphane Mallarmé (1842-1898)

⁵² Nadar (Gaspard-Félix) (1820-1910)

230. LE MARTEAU SANS MAÎTRE, mvt. 3: "l'artisanat furieux"
Pierre Boulez (b. 1925)

Modéré sans rigueur (♩ = 84)

Fl. en sol

Voix d'Alto

Fl. en sol

Voix

Fl. en sol

Voix

Fl. en sol

Voix

La rou - lot - te rou - ge au bord du clou Et

Boulez LE MARTEAU SANS MAITRE © Copyright 1954 by Universal Edition (London), Ltd., London © Copyright Renewed Final Version © Copyright 1957 by Universal Edition (London), Ltd., London Poèmes de René Char: © Copyright 1964 by Jose Corti Editeur Paris. All Rights Reserved. Used by permission of European American Music Distributors Corporation, sole U.S. and Canadian agent for Universal Edition London

شروع موومان سوم از قطعه "پتک بدون استاد" اثر پی‌یر بولز



اثر هنر کلاتز ۵۳

⁵³ Lenz Klotz (1925-2017)



ویتولد لوتوسوافسکی

در همین دوران آهنگساز لهستانی ویتولد لوتوسوافسکی^{۵۴} متولد ۱۹۱۳ کنسرتوی خود را برای ارکستر می‌نویسد؛ این اثر دارای حالتی مرتعش و لرزان است که به موسیقی فیلم شباهت دارد اما علی‌رغم این حالت، ساختمان اثر مطابق رسوم و قرار دادهای اولیه تصنیف شده است. از دیگر آثار این آهنگساز "سویت کوچک"^{۵۵} قطعه "یک جور تصویر در سه قاب" برای صدای انسان و ارکستر، آوازهای کودکان و مجموعه آوازهایی برای گروه کر را می‌توان نام برد. این آثار آنچنان که باید مورد توجه پست‌مدرن‌ها قرار

نمی‌گیرد اما هم‌میهن جوان لوتوسوافسکی، کریستف پندرسکی^{۵۶} با پرداختن به جریان پست‌مدرن به موفقیت‌های شایانی دست پیدا می‌کند. او به سال ۱۹۳۳ در دبی‌کای^{۵۷} لهستان چشم به جهان گشود. بعدها وارد کنسرواتوار کراکو^{۵۸} شد و با نبوغ خود راه‌های تازه‌ای را در موسیقی نو به آزمایش گذارد و نیز در زمینه‌های سورئالیسم و الکتروآکوستیک به طبع آزمایشی پرداخت. پندرسکی پایان‌نامه خود را به نام "یاد بود استاد مالاوسکی"^{۵۹} برای



کریستف پندرسکی

پرکاشن و زهی در گرامیداشت معلم آهنگسازی خود نوشت. اثر دیگر پندرسکی "به قربانیان انفجار اتمی هیروشیما"^{۶۰} نام دارد که در مراسم پرده‌برداری از بنای یادبود آن، این اثر به اجرا در آمد. قطعه دیگر او که به مناسبت گشایش بنای یادبود قربانیان آشویتس و بدون دریافت هیچ‌گونه سفارشی تصنیف

⁵⁴ Witold Lutosiaeski (1913-1994)

⁵⁵ Little Suite

⁵⁶ Krzysztof Penderecki (1933-2020)

⁵⁷ Dębica

⁵⁸ Kraków

⁵⁹ Artur Malawski (1904-1957)

⁶⁰ Threnody to the Victims of Hiroshima

شده بود، نامش را پرآوازه ساخت. او این اثر را همچون بیانیه‌ای از طرف موسیقی مدرن منتشر کرده و می‌گوید "یک هنرمند نباید و نمی‌تواند در مورد مسائل مربوط به رنج بشری بی‌تفاوت باقی بماند. هنری که از واقعیت دور باشد، خطر دور شدن از طبیعت انسانی را نیز میسر می‌کند و این دردناک است." "پاسیون سنت لوک"^{۶۱}، آوازهای سلو، آثار کر و ارکستر، "کانن برای پنجاه و دو ساز زهی و دو نوار مغناطیسی"^{۶۲} و بالاخره اپرای "شیاطین لودون"^{۶۳} از دیگر آثار او هستند. شیاطین لودون داستان ماجرای است که در قرن هفدهم در یک دهکده کوچک برای کشیشی اتفاق می‌افتد. این ماجرا در ۱۹۵۲ به وسیله الدوس هاکسلی^{۶۴} شکافته شده از دیدگاه تازه‌ای مطرح می‌شود.

بخشی از پارتیتور "به قربانیان انفجار اتمی هیروشیما" اثر کریستف پندرسکی

⁶¹ St. Luke Passion

⁶² Canon for 52 strings and 2 tapes

⁶³ Devils of Loudun

⁶⁴ Aldous Huxley (1894-1963)



الدوس هاکسلی (راست) و ایگور استراوینسکی (چپ)

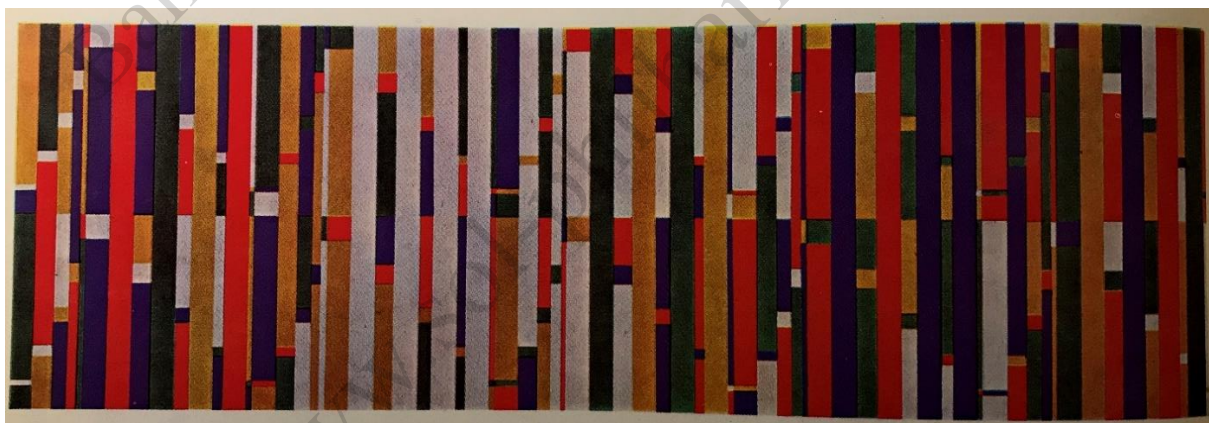


جان وایتینگ

جان وایتینگ^{۶۵} نمایشنامه‌نویس انگلیسی نیز بر اساس داستان هاکسلی نمایشنامه‌ای می‌نویسد و بالاخره پندرسکی در ۱۹۶۹ بر اساس نمایشنامه شیاطین هاکسلی اپرای خود را می‌سازد. این اپرا از سی صحنه کوتاه تشکیل شده است که هر صحنه، جنبه‌ای از حالت موزیکال را داراست. اپرای شیاطین لودون، اثری درباره هیجان‌ات هیستریک مذهبی است. از دیگر آثار

⁶⁵ John Whiting (1917-1963)

۱۹۶۸ پندرسکی، سه مینیاتور برای ویلن و پیانو، "پلی مورفیا"^{۶۶} برای ۴۸ ساز زهی به سال ۱۹۶۱، "کوارتت زهی شماره ۲"^{۶۷} به سال و "اورتور پیتزبورگ"^{۶۸}، به سال ۱۹۶۷ را می‌توان نام برد. متن موسیقی پندرسکی پر از نشانه‌های تصویری گوناگون است. به جرات می‌توان اظهار کرد که شکل آثار او بر روی کاغذ، به اشکال گرافیکی شبیه است. وی تکنیک موسیقی سریل را با تکنیک‌های موسیقی تغییر یافته قدیمی درهم آمیخت. پندرسکی از لحاظ اندیشه آهنگسازی دارای دو وجه تمایز است: اول استفاده از موسیقی کهن که برایش حکم گونه‌ای از الگو را داراست و دوم وجود خلاقیت ویژه، که مربوط به خود اوست. پندرسکی به غیر از بهره‌گیری از انواع سازها و بویژه سازهای ضربی، از اشیاء متفاوت نیز استفاده می‌کند. این اشیاء چیزهایی چون آژیر، صوت، آهن، شیشه، زنگ الکتریکی، ماشین تحریر و غیره می‌باشند که صدایشان در موسیقی وی به گوش می‌رسد. کریستف پندرسکی اصالتاً لهستانی و لهستانی‌الاصل است و هر گونه بر چسب دیگری برای او که به وسیله عده‌ای عقب مانده ذهنی-روانی برای توجیه مهم بودن خود و تبلیغ ملیتی خاص انجام می‌شود، یاوه و چرند بنظر می‌رسد.



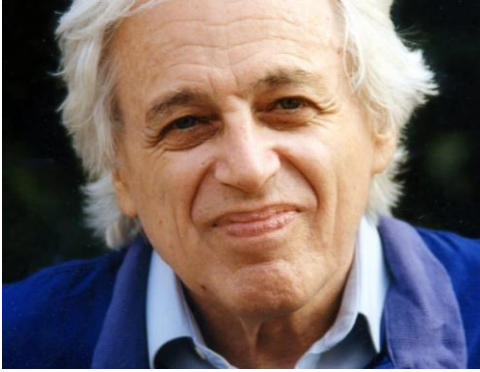
اثر ریچارد پی لوز^{۶۹}

⁶⁶ Polymorphia

⁶⁷ String Quartet No. 2

⁶⁸ Pittsburgh Overture

⁶⁹ Richard P. Lohse (1902-1988)



گیورگی لیگتی

گیورگی لیگتی^{۷۰} از اهالی مجارستان متولد ۱۹۲۳ به مطالعه موسیقی آوانگارد می‌پردازد و خود آثاری را در این راستا تصنیف می‌کند که مقبولیت عام می‌یابد. این استقبال با کارهایی همچون اپرای "گراند مکابر"^{۷۱} به همراه سمبولیسم خارق‌العاده آن، نام لیگتی را بلند آوازه می‌سازد. گیورگی به سال ۱۹۵۶ مجارستان

را ترک می‌گوید و وین و کلن را برای زندگی برمی‌گزید. موسیقی او با نفوذ عمیق خود از تمام تحولات شناخته شده دوری می‌جوید و با پرداختن به فرم‌های کهن آزموده شده ولی غیر معمول، به جریان خود ادامه می‌دهد. رکوئیم برای کر و ارکستر، قطعاتی برای ارکستر بزرگ و اثری برای سه صدا و هفت ساز و دو کوارتت از جمله آثار او هستند.

233. ÉJSZAKA/NIGHT
György Ligeti (b. 1929)

Andante con moto ♩ = 132

Sopran

Alt

Tenor

Bass

³⁾ Ren - ge - teg tö - vis, ren - ge - teg tö - vis, ren - ge - teg, tö - vis,
 Thor - ny huge jun - gles, mi - ste - ry fo - rests, thor - ny huge,
 Wäl - der voll Sta - cheln, dor - ni - ge Wild - nis, Wäl - der und

Ren - ge - teg tö - vis, ren - ge - teg tö - vis,
 Thor - ny huge jun - gles, mi - ste - ry fo - rests,
 Wäl - der voll Sta - cheln, dor - ni - ge Wild - nis,

"شب" اثر گیورگی لیگتی

⁷⁰ György Ligeti (1923-2006)

⁷¹ Le Grand Macabre

هانس ورنر هنتسه^{۷۲} آهنگساز آلمانی متولد ۱۹۲۶، همچون لیگتی به مطالعه و بررسی آوانگارد موزیکال امروز پرداخت و به آفرینش آثاری دست زد که عشق تأثر در آن به وضوح نمایان است. او از شاگردان فورتنر^{۷۳} و لایبویتز بود. هانس ورنر هنتسه با عشق عمیق خود به دوده کافونیسیم سریل، مقبول‌ترین آهنگساز بعد از جنگ دوم در آلمان به حساب می‌آید. او از ۱۹۵۳ زندگی در ایتالیا را برگزید و ایده‌های سیاسی خود را در ترکیبات موسیقی‌اش ارائه کرد که در نتیجه، مقداری کار صحنه‌ای دراماتیک مثل "قصیده‌ای برای عاشقان جوان"^{۷۴} و "باسندز"^{۷۵} همچنین اپرا اوراتوریمی "حیله و نیرنگ مدوزا"^{۷۶} که از نقاشی معروف جری کالت^{۷۷} و داستان آن الهام گرفته است را می‌توان نام برد. اپرای‌های "بلوار خلوت"^{۷۸}، "شاه گوزن"^{۷۹}، "پرنس هامبورگ"^{۸۰} و "لرد جوان"^{۸۱} از شاهکارهای او هستند. کانتات بر روی جمله‌ای از جوردانو برونو^{۸۲}، شش سمفونی، شش اپرا باله برای آلتو، کلاوسن و هشت ساز دیگر و کر، کنسرتو برای پیانو، کنسرتو برای ویلن، سونات‌هایی برای فلوت، ویلن و پیانو، "رقص ماراتون"^{۸۳} برای گروه جاز و ارکستر سمفونیک از دیگر آثار هنتسه به شمار می‌روند. وی بعدها سیستم دوازده تنی را ترک کرد و شیوه شخصی خود را پیش گرفت.



تئودور جری کالت



ولفگانگ فورتنر



هانس ورنر هنتسه - ۱۹۶۰

⁷² Hans Werner Henze (1926-2012)

⁷³ Wolfgang Fortner (1907-1987)

⁷⁴ Elegy for Young Lovers

⁷⁵ The Bassarids

⁷⁶ The raft of the Medusa

⁷⁷ Théodore Géricault (1791-1824)

⁷⁸ Boulevard Solitude

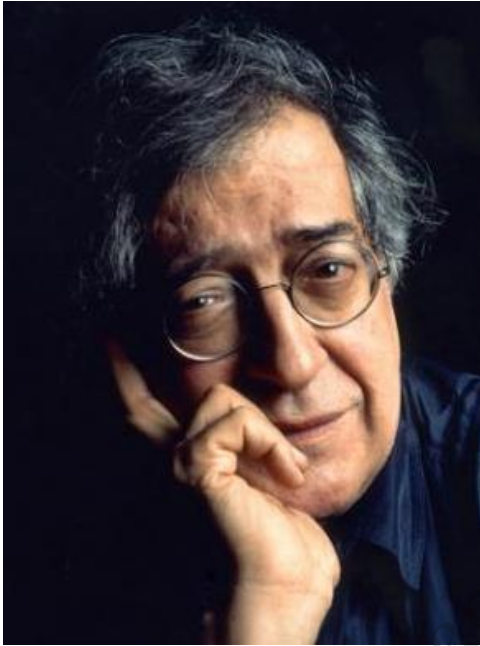
⁷⁹ König Hirsch (The Stag King)

⁸⁰ Der Prinz von Homburg (The Prince of Homburg)

⁸¹ Der junge Lord (The Young Lord)

⁸² Giordano Bruno (1548-1600)

⁸³ Dance Marathon



لوچانو بریو



جورجیو فدریکو گدینی - ۱۹۴۸

لوچانو بریو^{۸۴} متولد ۱۹۲۵ از آهنگسازان ایتالیایی و شاگرد دالاپیکولا^{۸۵}، در بکارگیری افکت‌های فضایی، از سرآمدان دوران خود است. او در اثر زیبای خود "حلقه‌ها"^{۸۶} که برای صدای زنان، هارپ و دو پرکاشن تصنیف کرده، حالت‌های مخصوص این نوع افکت را جلوه‌گر ساخته است. همچنین بریو در موسیقی الکترونیک هم از استادان نامی به حساب می‌آید. "تمپی کُنچرتاتی"^{۸۷} برای فلوت و آنسامبل مجلسی و نیز اپرای "آله هوپ"^{۸۸} از کارهای مطرح او هستند. بریو قبل از اینکه در ایالات متحده به پیش دالاپیکولا راه پیدا کند در کنسرواتوار میلان با گدینی^{۸۹} تعلیمات موسیقی خود را آغاز کرده بود. از او "سرنادی برای فلوت و چهارده ساز دیگر"^{۹۰} باقی است که بافت فوق‌العاده‌ای دارد. "نونز"^{۹۱} (۱۹۵۴)، "متاسیون"^{۹۲} (۱۹۵۵) برای ارکستر و "اپی‌فانی"^{۹۳} از دیگر کارهای برجسته بریو محسوب می‌شوند. موسیقی آکادمیک در جهان از زمان باخ تا به امروز در مسیر تحول مداوم گام برداشته است و این به خودی خود چیزی منطقی و قابل قبول به نظر می‌رسد. با این حال، اکثر مردم که از

⁸⁴ Luciano Berio (1925-2003)

⁸⁵ Luigi Dallapiccola (1904-1975)

⁸⁶ Circles

⁸⁷ Tempi Concertati

⁸⁸ Allez Hop

⁸⁹ Giorgio Federico Ghedini (1892-1965)

⁹⁰ Serenade I for Flute and 14 Instruments

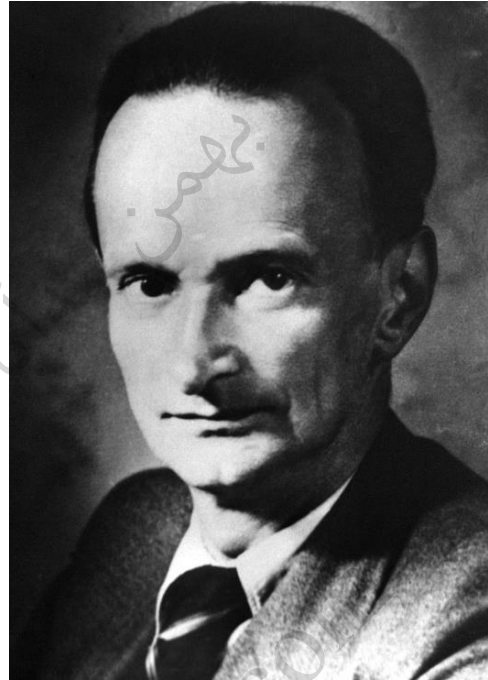
⁹¹ Nones

⁹² Mutazioni

⁹³ Epifanie

پیشرفت علم خرسند به نظر می‌رسند، از تحول موسیقی
 بیمناک‌اند و معمولاً در این مورد عکس‌العمل نشان می‌دهند که
 البته چنین برداشتهایی در کل به منزوی شدن هنر موسیقی
 یک جغرافیای خاص می‌انجامد و در نتیجه شرایط اضمحلال
 درونی آن را نیز فراهم می‌کند. موسیقی جهانی در اثر
 پیشرفت‌های منطقی و لازم، خود را از قید کهنگی و درجا زدن
 بهبوده رهنانیده و راه پویایی را در پیش گرفته است.

ارنست فیشر^{۹۴} جامعه‌شناس اثبات می‌کند موسیقی به شکل
 سنتی که فاقد ادبیات نوشتاری دقیق باشد، وجود ندارد و آن



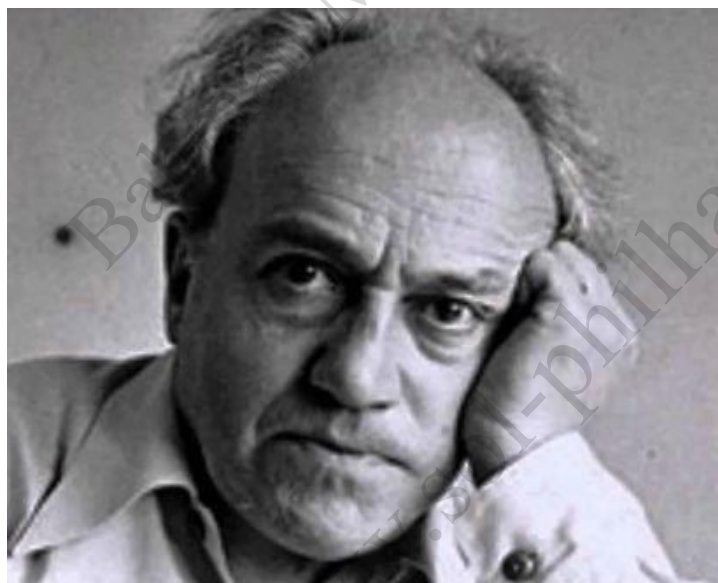
ارنست فیشر - ۱۹۵۲

چیزی که به این نام ارائه می‌گردد مضمونی غیر اصیل و غیر سنتی است. زیرا موسیقی‌های فاقد اصول اولیه، در
 شرایط انتقال سینه به سینه دچار تغییرات و کم و کاستی‌های غیر لازم شده و ضرورتاً از حوزه اطلاق این نام دور
 می‌شوند. جان کیج^{۹۵} معتقد است صدا نباید به عنوان یک واسطه میان شنونده و هنر موسیقی تصور شود، زیرا
 موسیقی صداست و صدا به نوعی موسیقی است که در نتیجه می‌باید مستقیماً در برابر شنونده قرار گیرد و این
 البته به طبیعت خود صدا نیز بسیار نزدیک‌تر است. کیج چنین شرایطی را برای طرد روشنفکرانمایان از جامعه
 موسیقی لازم می‌داند و می‌گوید: "آنگاه است که مردم عادی خواهند توانست با خیالی آسوده و بدور از پز و
 افاده‌های غیر لازم، به آثار موسیقی گوش فرا دهند و هنر موسیقی را از تسلط دو گروه کهنه‌پرست دانشمندان و
 جاهلان بی‌هویت همه‌چیزدان! خلاص کنند و بدون واسطه و به آسانی آن را در اختیار بگیرند."

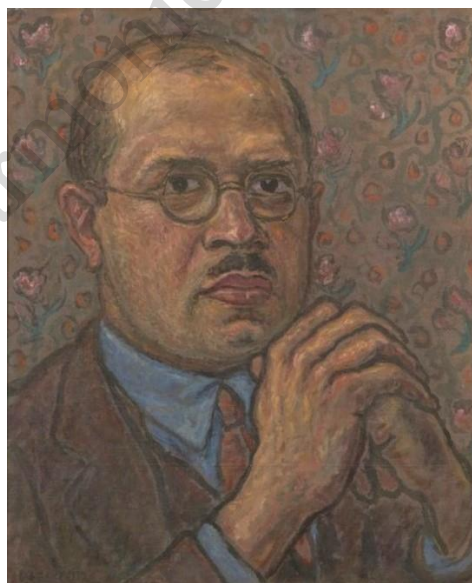
⁹⁴ Ernst Fischer (1899-1972)

⁹⁵ John Cage (1912-1992)

راجر سِشِنز^{۹۶} آهنگساز آمریکایی متولد ۱۸۹۶ ابتدا در دانشگاه هاروارد (۱۹۱۰-۱۹۱۵) و سپس در دانشگاه ییل^{۹۷} (۱۹۱۷-۱۹۱۵) از هُراشِیو پارکر^{۹۸} درس‌های تخصصی موسیقی را فرا گرفت. او بعد از تحصیل با پارکر در کالج اسمیت (۱۹۱۷-۱۹۲۱) و در موسسه موسیقی کلیولند به عنوان دستیار ارنست بلوخ^{۹۹} (۱۹۲۱-۱۹۲۵) به فعالیت‌های خود ادامه داد. سپس به ایتالیا و آلمان رفت و دوباره بعدها برای تدریس در دانشگاه‌های بوستون (۱۹۳۳-۱۹۳۵)، پرینستون (۱۹۳۵-۱۹۴۵)، برکلی (۱۹۴۵-۱۹۵۱) و باز هم پرینستون (۱۹۵۳-۱۹۶۵) به آمریکا برگشت. او ابتدا در دهه ۱۹۲۰ کارهایی را تحت تأثیر استراوینسکی و بلوخ تصنیف کرد اما آرام آرام به طرف شوئنبرگ کشیده شد و تکنیک سربالیسم را در سونات ویلن خود (۱۹۵۳) به کار گرفت. از جمله کارهای معروف او می‌توان به اپرای "محاکمه لوکولوس"^{۱۰۰} (۱۹۴۷)، "مونته‌زوما"^{۱۰۱} (۱۹۴۱-۱۹۶۳) هشت سنفونی، ویلن کنسرتو (۱۹۳۵)، پیانو کنسرتو (۱۹۵۶)، دیورتمنتو (۱۹۵۹)، راپسودی (۱۹۷۰)، دابل کنسرتو برای ویلن و چلو



ارنست بلوخ



راجر سِشِنز - اثر هارولد وستون^{۱۰۲} - ۱۹۲۰

⁹⁶ Roger Sessions (1896-1985)

⁹⁷ Yale

⁹⁸ Horatio Parker (1863-1919)

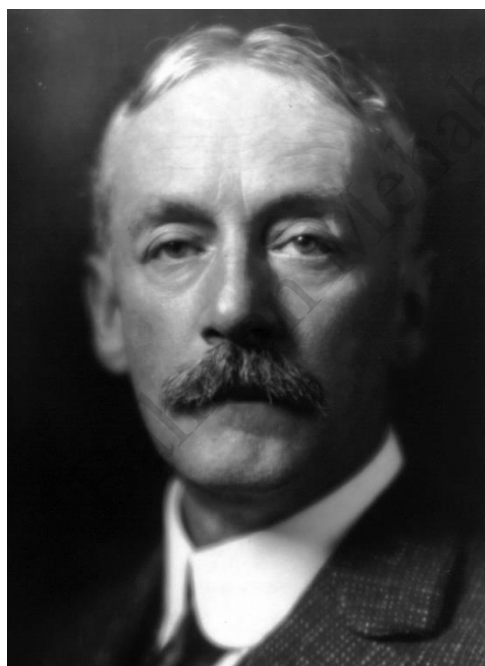
⁹⁹ Ernest Bloch (1880-1959)

¹⁰⁰ The Trial of Lucullus

¹⁰¹ Montezuma

¹⁰² Harold Weston (1894-1972)

(۱۹۷۱)، کنسرتینو (۱۹۷۲) و آثار وکال ارکسترال از جمله ایدیل^{۱۰۳} اثر تئوکریتوس^{۱۰۴} شاعر یونانی قرن سوم پیش از میلاد با همراهی ارکستر زهی (۱۹۵۴) و اثری کرال و ارکسترال برای سوپرانو، آلتو و باریتون بر روی شعری بلند از "والث ویتمن"^{۱۰۵} به نام "وقتی که یاس‌ها برای آخرین بار در دُریارد به گل می‌نشینند"^{۱۰۶} (۱۹۷۰-۱۹۷۱) اشاره کرد. از دیگر آثار او برای موسیقی مجلسی و سازی می‌توان از سه پیانو سونات، دو کوارتت زهی، سونات ویلن، کوئینتت زهی و دو جلد کتاب به نام‌های "تجربهٔ موزیکال آهنگساز، اجراکننده و شنونده"^{۱۰۷} (۱۹۵۰) و "سوالاتی در مورد موسیقی"^{۱۰۸} (۱۹۷۰) را نام برد. راجر سِشِنز در ۱۹۸۵ خاموشی ابدی را پذیرفت.



هُرَاشیو پارکر - ۱۹۱۶

هُرَاشیو پارکر^{۱۰۹} آهنگساز آمریکایی و استاد موسیقی با جورج چدویک^{۱۱۰} در بوستون و ژوزف راینبرگر^{۱۱۱} در مونیخ (۱۸۸۲-۱۸۸۵) تحصیل کرد و سپس به آمریکا برگشت و به عنوان موسیقیدان کلیسا و استاد تئوری موسیقی در دانشگاه ییل (۱۸۹۴-۱۹۱۹) به کار پرداخت. از آثار او می‌توان به "اوراتوروی هورا نوویسیما"^{۱۱۲} (۱۸۹۳) و بسیاری از موسیقی‌های مذهبی در کنار دو اپرا اشاره کرد.---خاموشی پارکر به سال 1919 اتفاق افتاد.

¹⁰³ Idyll

¹⁰⁴ Theocritus (Born c. 300 BC)

¹⁰⁵ Walt Whitman (1819-1892)

¹⁰⁶ When Lilacs Last in the Dooryard Bloom'd

¹⁰⁷ The Musical Experience of Composer, Performer, Listener

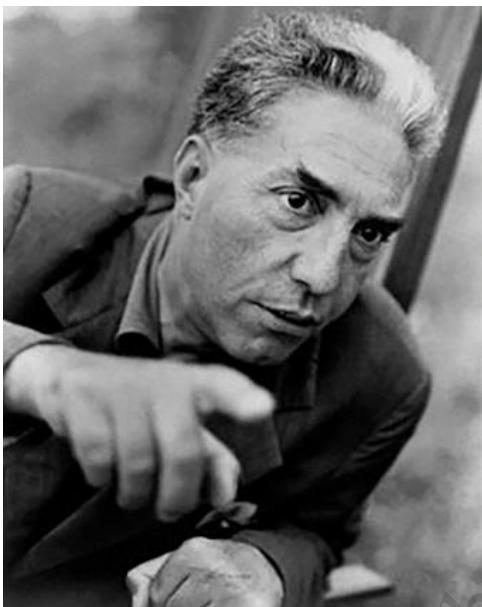
¹⁰⁸ Questions About Music

¹⁰⁹ Horatio Parker (1863-1919)

¹¹⁰ George Whitefield Chadwick (1854-1931)

¹¹¹ Josef Gabriel Rheinberger (1839-1901)

¹¹² Hora Novissima



لوئیجی دالاپیکولا

لوئیجی دالاپیکولا^{۱۱۳} متولد ۱۹۰۴ دارای اعتقاد و منشی شبیه جان کیچ بود. او ابتدای شیفته دبوسی است اما بعدها در تحول شخصی خود به مدرنیست‌ها گرایش یافت و در طی کنسرت‌های دوره‌ای خود از مدرنیسم به دفاع برخاست. وی به شکل آزاد موسیقی، فارغ از هر قید و بندی معتقد بود و به همین دلیل قوانین سریل را با سلايق شخصی خود بطور آزادانه‌ای درهم آمیخت. دالاپیکولا بعدها نئورمانتیسیم^{۱۱۴} و اکسپرسیونیسم وینی را کنار گذاشت و قریحه فوق تصور خود را در تحریرهای وکال و

موسیقی برای آواز به کار گرفت. دالاپیکولا، در انجمن بین‌المللی موسیقیدانان معاصر، دفاع از مدرنیسم را سر لوحه کار خود قرار داد و با ساختن آثاری، دو گروه جموداندیش و ساده‌لوحان بی‌تحرك را نشانه رفت. وی علاوه بر موسیقی به کار نقاشی و تعلیم نیز روی آورد و به عنوان مغز متفکر موسیقی مدرن، شاگردانی متفکر و نوگرا تربیت کرد. آثار دالاپیکولا عبارتند از "پرواز شبانه"^{۱۱۵} (۱۹۴۰)، "زندانی"^{۱۱۶} (۱۹۴۸)، "شغل"^{۱۱۷} (۱۹۵۰)، "دیورتی منتو در چهار تمرین"^{۱۱۸} برای سوپرانو و پنج ساز، سرود برای باریتون و هشت ساز، کنسرتو برای پیانو و کارهایی برای کر و ارکستر و بسیاری کارهای دیگر. دالاپیکولا در ۱۹۷۵ جهان را وداع گفت.



بخشی از قطعه "تکرارها"^{۱۱۹}

اثر لوئیجی دالاپیکولا

¹¹³ Luigi Dallapiccola (1904-1975)
¹¹⁴ Neo-romanticism
¹¹⁵ Volo di notte (Night Flight)
¹¹⁶ Il prigioniero (The Prisoner)
¹¹⁷ Job
¹¹⁸ Divertimento in quattro esercizi
¹¹⁹ Rencensvals



راس لی فینی



آلبان برگ

راس لی فینی^{۱۲۰} متولد ۱۹۰۶ آهنگساز آمریکایی از نادیا بلانژه در پاریس (۱۹۲۷-۱۹۲۸) درس‌های تخصصی موسیقی را فرا گرفت. او در دانشگاه آمریکایی هاروارد با راجر سشنز به آموزش موسیقی پرداخت (۱۹۲۸-۱۹۲۹) و آنگاه در وین از آلبان برگ^{۱۲۱} (۱۹۳۱-۱۹۳۲) درس گرفت و به عنوان استاد موسیقی در دانشگاه میشیگان (۱۹۴۹-۱۹۷۴) به کار پرداخت. موسیقی او با ریتم پرتحرک و منطقی به همراه تکنیک‌های آهنگسازی هگزا کوردال^{۱۲۲} (آکورد شش‌تایی) متعلق به دهه ۱۹۵۰ شهره است. مجموعه کارهای او شامل چهار سنفونی و چهار کنسرتو برای سازهای مختلف، آثار کرال بزرگ، هشت کوارتت زهی و تعدادی از موسیقی‌های مجلسی شامل انواعی از سونات‌ها برای سازهای گوناگون و کارهای پیانو در ساختارهای تریو، کوارتت، کوئینتت به همراه واریاسیون بر روی تمی از آلبان برگ^{۱۲۳} و آثار سلوی پیانو از کارهای درخشان دوران خلاقیت او به حساب می‌آیند. فینی در ۱۹۹۷ چشم از جهان فرو بست.

¹²⁰ Ross Lee Finney (1906-1997)

¹²¹ Alban Berg (1885-1935)

¹²² Hexachord

¹²³ Alban Berg

نادیا بلانژه^{۱۲۴} استاد موسیقی فرانسوی در خانواده‌ای فرهنگی چشم به جهان گشود. پدرش ارنست بلانژه^{۱۲۵} استاد کنسرتوار پاریس بود و خواهرش لی بلانژه^{۱۲۶} آهنگساز نامداری محسوب می‌شد. نادیا خود شخصا از ستایش‌کنندگان آثار ایگور استراوینسکی بود و سبک نئوکلاسیسم استراوینسکی تأثیری باورنکردنی بر او داشت.



لی بلانژه - ۱۹۱۳



ارنست بلانژه - حدود سال ۱۸۷۲



نادیا بلانژه - ۱۹۲۵



از راست: نادیا بلانژه، داریوس و مادلین^{۱۲۷} میلو و ایگور استراوینسکی

¹²⁴ Nadia Boulanger (1887-1979)

¹²⁵ Ernest Boulanger (1815-1900)

¹²⁶ Lili Boulanger (1893-1918)

¹²⁷ Madeleine



اثر واسیلی کاندینسکی



بنجامین بریتن (راست) و مایکل کمپ تی پت (چپ)

موج چنین تغییرات و تأثیرات سراسر گیتی را در می‌نوردد و این حرکت دیگرگونه موسیقی بریتانیا را نیز، تحت تأثیر قرار می‌دهد. امروزه آهنگسازان انگلیسی بیشتر از بنجامین بریتن^{۱۲۸} شهیر متولد ۱۹۱۳ و مایکل کمپ تی پت^{۱۲۹} متولد ۱۹۰۵، و از مکتب مدرن موسیقی انگلیس پیروی می‌کنند. تی پت خود نیز از آهنگسازان قرن شانزدهم و هیندمیت تأثیر پذیرفته، کنترپوان و ریتم‌های

متقاطع را در آثار خود بکار گرفته است. او سابقاً مدیر موسیقی مورلی کالج^{۱۳۰} لندن بود و به تدریس و اجرای آثار کرال و کنسرت‌های پژوهشی اشتغال داشت. آثار تی پت، نشانگر مهارت‌های ویژه اوست. "ازدواج در نیمه تابستان"^{۱۳۱} برای کر و ارکستر، "پریام شاه"^{۱۳۲}، "نات گاردن"^{۱۳۳} از آثار اپرایی او و سه سمفونی، کنسرتو برای دو ارکستر زهی و کنسرتو برای ارکستر، فانتزی کنسرتانت روی یک تم از کورللی، کنسرتو و سه سونات برای پیانو، همچنین سه کوارتت زهی، اوراتوریوی "کودک زمان ما"^{۱۳۴} که سمبل نفرت تی پت از تمدن لجام گسیخته متجاوز به حقوق انسان‌هاست و کانتات "رویای سنت آگوستین"^{۱۳۵} از آثار نامی او هستند. تی پت در ۱۹۶۶ به پاس اقدامات خود و در جهت گرامیداشت آثارش، نامزد دریافت لقب شوالیه شد و افتخار اعطای این عنوان را برای ملکه انگلیس فراهم آورد. مصنفان امروزی انگلیسی، با پیروی از بریتن و تی پت به فضایی بی‌سابقه و بکر دست یافته‌اند. این حالت نوین، دراماتیسم محکم و قابل اتکایی را به آن‌ها ارزانی داشته است.

¹²⁸ Benjamin Britten (1913-1976)

¹²⁹ Michael Kemp Tippett (1905-1998)

¹³⁰ Morley College

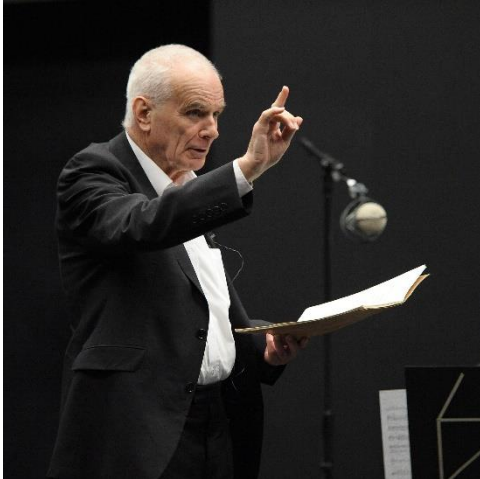
¹³¹ The Midsummer Marriage

¹³² King Priam

¹³³ Knot Garden

¹³⁴ A child of Our Time

¹³⁵ The vision of St. Augustine



پیتر مکسول دیویس

سر پیتر مکسول دیویس^{۱۳۶} متولد ۱۹۳۴ آهنگساز و رهبر انگلیسی تحصیلات خود را در دانشگاه و رویال کالج موسیقی منچستر همزمان به انجام رساند. او با تشکیل گروه "موسیقی نو منچستر"^{۱۳۷} موسیقی معاصر را مورد دقت خاص خود قرار داد. یکی از آثار او "هشت کار صحنه‌ای آوازی برای شاه دیوانه"^{۱۳۸} نام گرفته که لیبرتوی این اثر متعلق به راندولف استو^{۱۳۹} است. این موندرام^{۱۴۰} تراژدی-کمدی، تصویر و شرح روشنی در مورد



گُفرِدو پتراسی

مختل شدن مغز شاه انگلیس جرج سوم را ارائه می‌دهد. این شخص از یک بیماری و ناخوشی ذهنی-عقلانی نادر رنج می‌برده است. این کار در ۱۹۶۹ به صحنه رفت و باعث شوک بینندگان شد. از دیگر کارهای دراماتیک دیویس، می‌توان از اپرای مجلسی

او به نام "شهادت سنت ماگنوس"^{۱۴۱} نام برد. این اثر از عشق زیبا و شدید او به جزیره اورکنی^{۱۴۲} اسکاتلند مایه گرفته است، جایی که دیویس برای مدتی چند در آن زندگی می‌کرد. دیویس از شاگردان پتراسی^{۱۴۳} در ایتالیا بود. او از تکنیک‌های رایج قرون وسطی در سونات "سنت میکائیل برای هفده ساز بادی"^{۱۴۴} (۱۹۵۷) استفاده‌های شایانی کرده است. "پرولیشن"^{۱۴۵} (1958-1957) برای ارکستر، مجموعه‌ای از آثار کرال قرون وسطی و نیز کوارتت زهی با عنصر بداهه‌نوازی و قطعاتی برای بچه‌ها و اپرای میخانه‌چی از دیگر آثار او هستند.

¹³⁶ Sir Peter Maxwell Davies (1934-2016)

¹³⁷ New Music Manchester

¹³⁸ Eight songs for a Mad King

¹³⁹ Randolph Stow (1935-2010)

¹⁴⁰ Monoderam

¹⁴¹ Martyrdom of St. Magnus

¹⁴² Orkney

¹⁴³ Goffredo Petrassi (1904-2003)

¹⁴⁴ St. Michael Sonata for 17 Winds

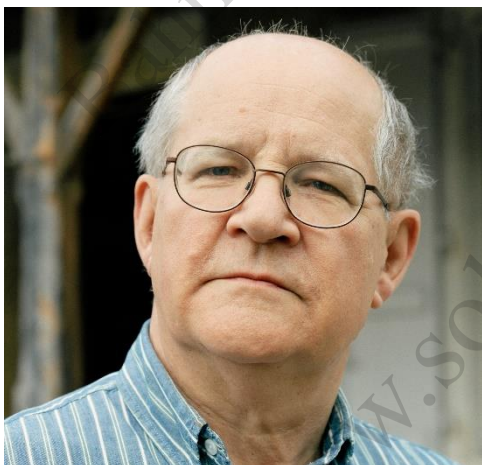
¹⁴⁵ Prolation



هریسون برتویسل - ۲۰۰۸



میشل هال



نیکولاس ماو

هریسون برتویسل^{۱۴۶}، آهنگساز دیگر انگلیسی و از شاگردان هال^{۱۴۷}، چون دیگر موسیقیدان‌های هموطنش وابستگی خود را به شیوه‌های قرون وسطایی حفظ می‌کند. او اثر ارکستری "پیروزی زمان"^{۱۴۸} را با الهام از کارهای تی پت تصنیف می‌کند که مبین گونه‌ای از افکار فلسفی-روانی مربوط به جایگاه انسان در طراحی اشیا و امور است. از دیگر کارهای قدیمی‌تر او می‌توان از اپرای تک صحنه‌ای "پانچ و جودی"^{۱۴۹} نام برد که استفاده از نور و وارد کردن آن به نمایش کهن و مردمی خیمه شب بازی حائز اهمیت است. از دیگر آثار هریسون مجموعه‌ای برای کر و کوئینتت بادی، موسیقی برای خواب، "تراژدی برای ده نوازنده"^{۱۵۰} (۱۹۶۵) بادی، هارپ و کوارتت زهی قابل ذکراند.

نیکولاس ماو^{۱۵۱} از آهنگسازان انگلیسی اپرا، متولد ۱۹۳۵ به عنوان یک رمانتیسم مدرن شهرت دارد. او مصنفی است که در جستجوی امکانات جدید در سازها و فرم‌های متقدم به کارهای جالب توجهی دست زده و موسیقی انگلیس را غنی‌تر ساخته است. از آثار مشهور او اپرای "طلوع ماه"^{۱۵۲}، به عنوان یکی از موفق‌ترین کارها در تاریخ موسیقی امروز مطرح می‌شود. "نمایش

¹⁴⁶ Harrison Birtwistle (1934-2022)

¹⁴⁷ Michael Hall (1932-2012)

¹⁴⁸ Triumph of Time

¹⁴⁹ Punch and Judy

¹⁵⁰ Tragoedia for 10 Instruments

¹⁵¹ Nicholas Maw (1935-2009)

¹⁵² The Rising of the Moon

و آریاها^{۱۵۳} شامل کارهای کنسرتی برای سه خواننده زن با همراهی ارکستر، روی یک متن قدیمی فرانسوی،
 "نکتورن" برای متسو سوپرانو و ارکستر مجلسی و قطعه ای برای ارگ و کوارتت زهی، همچنین اپرای "نمایش
 یک نفره"^{۱۵۴} از دیگر کارهای او محسوب می‌شوند.

13

بخشی از قطعه "ساعت‌های هریسون"^{۱۵۵} اثر هریسون برتویسل

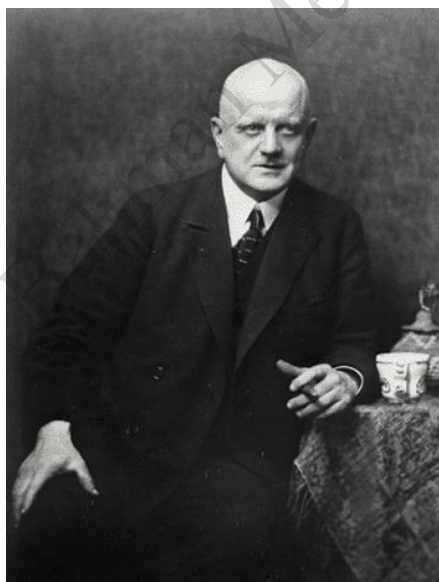
¹⁵³ Scenes and Arias

¹⁵⁴ One Man Show

¹⁵⁵ Harrison's-Clocks

از دیگر پست‌مدرن‌ها می‌توان به یک فنلاندی، به نام آلیس سال‌لینن^{۱۵۶} متولد ۱۹۳۵ اشاره کرد که آثارش در پیروی از هم میهن نامدارش ژان سبیلیوس^{۱۵۷} تصنیف شده است. سال‌لینن چشم‌اندازها و افسانه‌های شمال سرزمین مادری‌اش را که در مجاورت جمهوری مستقل استونی واقع شده، دست‌مایه آثار خود قرار داده است.

ژان سبیلیوس از دانش‌آموختگان برلین و وین بود. استعداد درخشان او و توجه مخصوص دولت فنلاند، امکان تصنیف آثار خارق‌العاده‌ای را برای وی فراهم کرد. قطعه "فنلاندیا"^{۱۵۸} از شاهکارهای این ناسیونالیست فنلاندی است. کنسرتو ویلنی باشکوه با موومان سومی باشکوه‌تر و سمفونی‌های جاودانه‌اش به همراه بسیاری از دیگر آثار، او را در ردیف موسیقیدانان بزرگ و هنرمندان طراز اول جهان قرار داده است.



ژان سبیلیوس - ۱۹۲۳



آلیس سال‌لینن - ۲۰۰۹

¹⁵⁶ Aulis Sallinen (1935-)

¹⁵⁷ Jean Sibelius (1865-1957)

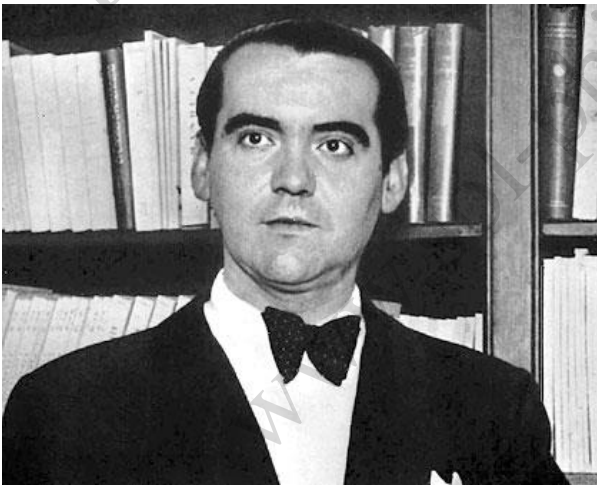
¹⁵⁸ Finlandia



جورج کرامب

جورج کرامب^{۱۵۹} آهنگساز آوانگاردِ موسیقی کلاسیک معاصر آمریکا متولد ۱۹۲۹ تحصیلات موسیقی خود را زیر نظر راس لی فینی در دانشگاه میشیگان به انجام رساند و سپس در دانشگاه کلرادو بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۵ و دانشگاه پنسیلوانیا کار خود را بعنوان استاد موسیقی آغاز و ادامه داد. او از همان اوایل روش‌های خلاقه خود

را در تصنیف آثارش به کار گرفت و با خودداری از بکارگیری تکنیک همه‌گیر سریالیسم در موسیقی مدرن به جستجوی راه‌های تازه‌ای پرداخت. او به عنوان شخصیتی فعال و آفرینشگر زبان موزیکال ویژه خود را پدید آورد که دارای حالتی متغیر از فضایی آرام به سوی اتمسفری کابوس‌مانند بود که محدودیت تکنیک‌های سنتی و قدیمی را با استفاده مکرر از مهارت‌های گسترده مدرن به کناری نهاد و با سود جستن از تمبر^{۱۶۰} اصوات صدهای غیرمعمول برای ایجاد فضایی سورئالیستی به‌رمند شد و بدین وسیله احساسات افراطی را به تصویر کشید که



فدریکو گارسیا لورکا

لاجرم حال و هوای آکوستیکی ویژه و قابل ادراک برای انسان‌ها را به وجود آورد. کرامب در آثار وکال خود با بهره‌گیری از اشعار "فدریکو گارسیا لورکا"^{۱۶۱}، دنیایی پر از زیبایی آفرید که از آن جمله می‌توان به قطعه "صدهای باستانی کودکان"^{۱۶۲} برای سوپرانو، تریبل و آنسامبل اشاره کرد. این اثر متعلق به سال ۱۹۷۰ است.

¹⁵⁹ George Crumb (1929-2022)

¹⁶⁰ Tembre

¹⁶¹ Federico García Lorca (1898- 1936)

¹⁶² Ancient Voices of Children

Percussion, and Cello

a) Devil-music

[Solo. Cadenza accompagnata] **[7 and 13]**

Black Angels, Thirteen Images from the Dark
Land for Electric String Quartet (1970),
Images 4 to 9

GEORGE CRUMB (b. 1929)

154

Copyright 1971 by C. F. Peters Corporation. Used by permission of the publisher. All rights reserved.

79

d) Threnody

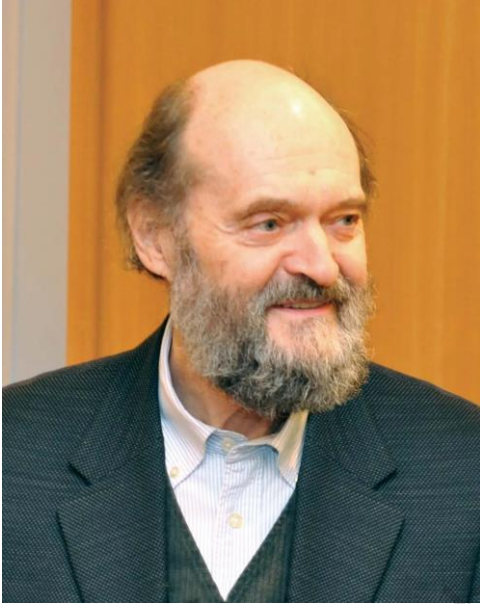
Furiously, with great energy! $\text{♩} = \text{ca. } 200 \text{ 90}$

[Tutti] **[7 times 7 and 13 times 13]**

Crumb, Black Angels

687

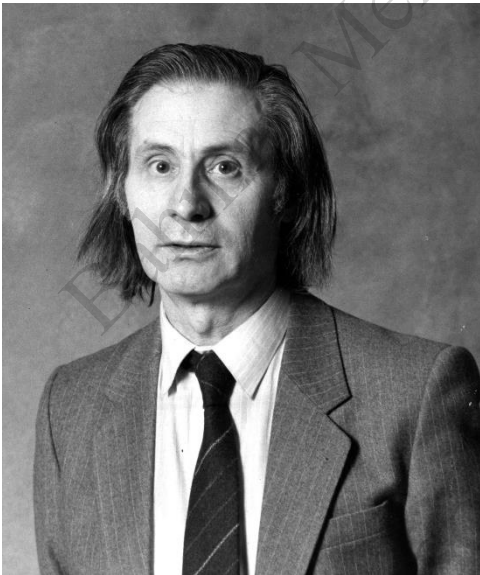
بخشی از پارتیتور "فرشتگان سیاه" برای کوارتت زهی الکتریک اثر جورج کرامب



آرو پارت

آرو پارت^{۱۷۰} متولد ۱۹۳۵ به عنوان یک سریالیست، این تکنیک را در سرلوحه کارهای خود قرار داد اما طی یک تحول شخصی به تکرار بعضی از فرم‌ها و سبک‌های کهن موسیقی روی می‌آورد و در این خط سیر، به آهنگ‌های ساده اتحاد اجباری جماهیر شوروی فرو پاشیده و بافت‌های پولیفونی توجه خاصی مبذول داشت.

آلفرد اشنیتکه^{۱۷۱} همچون آرو پارت از تکنیک سریل بهره‌ها برد. تأثیر موسیقی الکترونیک نیز بر اشنیتکه غیر قابل انکار به نظر می‌رسد. او این تأثیرات و حالات را با انواعی از احساسات سنگین و موقر درهم آمیخته و از شوستاکوویچ^{۱۷۲} و مدرنیته او بهره‌مند شد. ویژگی مهم دیگر موسیقی پست‌مدرن، مینی‌مالیست^{۱۷۳} بودن موزیسین‌های آن است. این استیل از مینی‌مالیسم گرفته شده و به مفهوم حداقل‌سازی مقدار متریال موسیقایی، در جهت ساختن و بنا کردن سراسر یک قطعه است. اشنیتکه در سال ۱۹۹۸ زندگی ابدی خود را آغاز کرد.



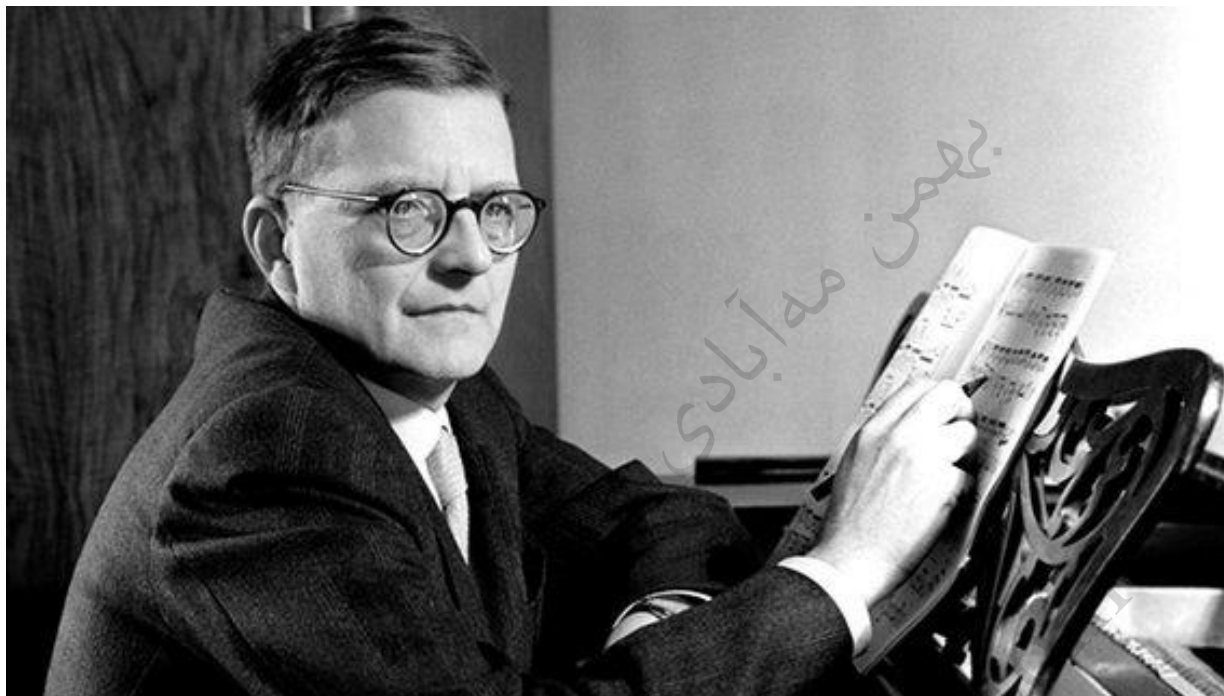
آلفرد اشنیتکه

¹⁷⁰ Arvo Part (1935-)

¹⁷¹ Alfred Schnittke (1934-1998)

¹⁷² Dmitri Shostakovich (1906-1975)

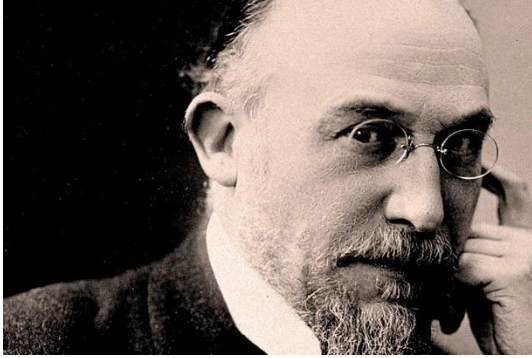
¹⁷³ Minimalist



دیمیتری شوستاکوویچ

پست‌مدرن‌ها همانند هنرمندان آبستره، از چند ترکیب و قالب متمایز اساسی استفاده کرده و به آفرینش منحنی‌ها و خطوطی دست یافتند که به طرحی گیرا و جذاب انجامید. قاعده کلی در این کارها اغلب بر محور تکرار و تقلید استوار بود. آن‌ها با گزینش یک یا دو موتیف اصلی شامل یک فراز ملودیک مختصر و یک سلسله آکورد و تکرار مداوم آن در یک پروسه زمانی معین به منطق خود نایل می‌شدند، در این حرکت، سکانس بتدریج به وسیله یک نت یا یک آکسان ریتمیک دچار تغییر می‌شد و بدین ترتیب، موسیقی به توسعه لازم ارتقاء پیدا می‌کرد. این ایده تغییر و تعویض، تکرار و تقلید، چیز تازه‌ای نیست و البته به وسیله شخص بخصوصی نیز ابداع نشده است. لاجرم می‌توان نمونه‌های آن را در انواعی از موسیقی‌ها یافت. نوای طبل‌های قبایل آفریقایی، موسیقی جاوه‌ای، راجه‌های هندی، پژواک زنگ‌ها، سرآغاز پرلود در دو ماژور از کلکسیون ۴۸ پرلود و فوگ باخ، پاساژهای متعدد در کارهای سیبلیوس، ژیمنودی^{۱۷۴} شناخته شده اریک ساتی نمونه‌های خوبی از این فرم هستند.

¹⁷⁴ Gymnopedies



اریک ساتی

اریک ساتی^{۱۷۵} آهنگساز و موسیقیدان فرانسوی در ابتدا و بعد از اتمام تحصیل در کنسرواتور پاریس به عنوان پیانیست در مونمارت شروع به کار کرد. آشنایی او با دپوسی به تفکرات بی‌قرار وی سامان داد تا اینکه در سی و نه سالگی به شاگردی روسل^{۱۷۶} و دندی^{۱۷۷} در آمد و شخصیت فوق‌العاده‌اش شکل

گرفت. ساتی با ژان کوکتو^{۱۷۸}، دیاگیلف^{۱۷۹} (سفارش‌دهنده و طراح باله‌های مدرن استراوینسکی)، پیکاسو، میلو^{۱۸۰} (پیانونواز فرانسوی و از آهنگسازان سرآمد گروه شش نفری که هدفشان تصنیف نوعی موسیقی عاری از زرق و برق، صادقانه و به دور از طرز فکرهای قدیمی بود) دوستی صمیمانه‌ای داشت و به علت طبع ناآرام خود در نهضت‌های پیشرو زمانه‌اش چون کوبیسم، دادائیسم^{۱۸۱}، سورئالیسم و مدرنیسم اولیه فعالانه شرکت کرد.

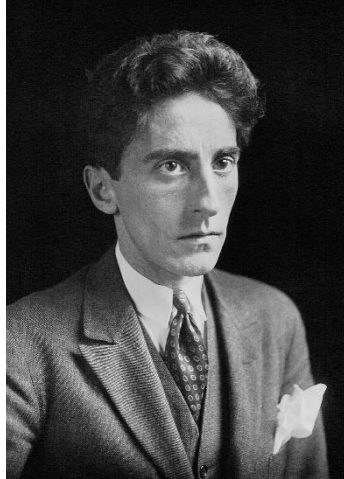


آلبرت روسل



وینسنت دندی - ۱۹۱۳

¹⁷⁵ Erik Satie (1866-1925)
¹⁷⁶ Albert Roussel (1869-1937)
¹⁷⁷ Vincent D'indy (1851-1931)
¹⁷⁸ Jean Cocteau b Meurisse (1889-1963)
¹⁷⁹ Sergei Diaghilev (1872-1929)
¹⁸⁰ Darius Milhaud (1892-1974)
¹⁸¹ Dada or Dadaism



ژان کوکتو - ۱۹۲۳



سرگی دیاگیلف



داریوس میلو

ساتی گروه شش نفری از آهنگسازان فرانسه را تحت تأثیر خود قرار داد. دکور بعضی از آثار ساتی بوسیله پیکاسو تهیه می‌شد. ساتی دوران مختلفی در خلاقیت داشت. اولین دوره با گرایش شدید وی به موسیقی مودال^{۱۸۲} همراه بود که تا حدود ۱۸۹۸ به طول انجامید. بعد از این سال آرام آرام ضدیت او بر علیه فریبندهای هارمونیک، اوج گرفت و وی را در جستجوی سادگی‌های ملودیک و کنترپوان قرار داد. سال ۱۹۱۶ ساتی در تحول سوم خود به موسیقی عینی دست یافت که قطعات "پاراد"^{۱۸۳} و "سقراط"^{۱۸۴}، حاصل این گرایش است. "مس فقرا"^{۱۸۵}، برای صدای انسان و ارکستر مجلسی یکی دیگر از کارهای اوست. ساتی برای سلوهای پیانو و دوئت‌هایش عنوان‌های نامتعارف و غریب برگزید؛ برای مثال "سه قطعه گلابی شکل"^{۱۸۶} یا "ورزش و تفریح"^{۱۸۷} از این سری به شمار می‌روند.

کارهای مینی‌مالیست‌ها به طور مجزا و مشخص در روی یک خط طولی مرتبط با موسیقی متمرکز است. این تکنیک ویژه از یک روش مجزای توسعه‌یافته تشکیل شده که با همه فرم‌های هارمونیک و ملودیک قبلی در کنتراست قرار می‌گیرد. این طرز تلقی جدید به روشی نوین که در آن مدرنیته به چشم می‌خورد، می‌انجامد. صدای

¹⁸² Modal Music

¹⁸³ Parade

¹⁸⁴ Socrates

¹⁸⁵ Messe des pauvres

¹⁸⁶ Trois morceaux en forme de poire (Three Pear-shaped Pieces)

¹⁸⁷ Sports et Divertissements.

نمونه‌های ارائه شده می‌توانند بسیار خوشایند، ملایم و آرام‌بخش باشد که در این صورت به عنوان محرک‌های لازم برای جوامع و افراد عصبی در تمدن امروزی توصیه شده است. نقطه مقابل این آرامش؛ نیرومندی، قدرت و تحرک است که بیشتر اوقات به موسیقی‌های جاز و راک تعلق دارد. نوع اخیر نیز در مقابل افسردگی و انواع حالات سرخورده و منزوی، موارد مصرف می‌یابد؛ در نتیجه موسیقی به عنوان شکلی از اشکال مرده متوقف شده و یا همانند اشیای عتیقه از زندگی روزمره انسان‌ها خارج نمی‌شود اما در مقابل سرنوشت موسیقی واپسگرا گونه‌ای دیگر است، این نوع موسیقی به اصلاحات و بازبینی‌های دقیق نیازمند است تا از اضمحلال و فروپاشی نجات یابد؛ در غیر اینصورت نابودی آن‌ها حتمی به نظر می‌رسد همچنان که از دهه‌های میانی سده بیستم این افول مشاهده شده و به ثبت رسیده است. در هنرهای تجسمی، موسیقی و دیگر شاخه‌های مربوطه، مینی‌مالیسم به عنوان یک جنبش بعد از جنگ جهانی دوم متولد شد و در حدود سال‌های ۱۹۶۰ تا ۷۰ اوج گرفت که ساختارهای پیشین را دچار تزلزل کرد و با ارائه کمترین متریال، اثر هنری را آفرید. در این روند موسیقی از موتیف‌های کوچک تکرارشونده برخوردار شد و به گونه‌ای آرامش‌بخش به پایان اثر هنری رسید. این خاتمه همچنان که انتظار می‌رود به شکل گونه‌ای از آرامش تدریجی که به نوعی فید^{۱۸۸} شبیه است، راه خاموشی را در پیش می‌گیرد و این در حالی است



ژوزف گابریل راین‌برگر

که نمونه‌های ارائه شده در قطعه به شکلی بی‌پایان جرح و تعدیل شده و تکرار می‌شوند.

ژوزف گابریل راین‌برگر^{۱۸۹} ارگان‌نویس، آهنگساز و استاد موسیقی آلمانی متولد ۱۸۳۹ در ۱۷ سالگی نوازندگی ارگ کلیسا را عهده‌دار شد و سپس تحصیلات موسیقی خود را در فلدکیرش^{۱۹۰} اتریش و مونیخ آلمان پی گرفت و در ۱۸۶۷ به عنوان استاد ساز ارگ و آهنگسازی در کنسرواتوار مونیخ کار

¹⁸⁸ Fade

¹⁸⁹ Josef Rheinberger (1839-1901)

¹⁹⁰ Feldkirch

خود را آغاز کرد و شاگردان زیادی را تربیت نمود که از جمله آنان می‌توان به اینگلبرت هامپردینک، اِرمانو ولف فراری، ویلهلم فورت‌وینگر^{۱۹۱} و از آهنگسازان آمریکایی به جورج چدویک و هُراشيو پارکر اشاره کرد. امروزه راین‌برگر با آثارش برای ارگ همانند دو کنسرتو، بیست سونات بزرگ و بسیاری کارهای دیگر برای این ساز و دیگر تصنیفاتش همچون چهارده اپرا، کنسرتوها، پوئم سنفونیک‌ها، آوازها، موسیقی‌های مجلسی و بی‌شمار کارهای کرال مذهبی و غیرمذهبی شناخته می‌شود. راین‌برگر در اصل یک رومان‌تیک-کلاسیک بود که در سبک و فرم بیشتر تحت تأثیر باخ، بتهوون و مندلسون قرار داشت و کمتر به مکتب نوین آلمان و معاصران خود علاقه نشان می‌داد. سکوت ابدی او در ۱۹۰۱ در مونیخ اتفاق افتاد.



اینگلبرت هامپردینک - ۱۸۵۴

اینگلبرت هامپردینک^{۱۹۲} آهنگساز آلمانی متولد ۱۸۵۴ ابتدا کارش را با یادگیری پیانو آغاز کرد و سپس اولین آهنگ خود را در هفت سالگی نوشت. در سیزده سالگی دو کار صحنه‌ای را به رشته تحریر در آورد؛ پدر و مادرش که با کار او در موسیقی مخالف بودند وی را برای تحصیل در رشته معماری تشویق می‌کردند اما او با ثبت‌نام در کنسرواتوار کلن ۱۸۷۲ تحصیل موسیقی را شروع کرد و از فردیناند هیلر^{۱۹۳} و ایزیدور سائز^{۱۹۴} درس گرفت. در ۱۸۷۶ برنده یک بورسیه شد که امکان سفر او را به مونیخ فراهم کرد تا بتواند از فرانس لاکنر^{۱۹۵} و سپس از

ژوزف لاین‌برگر درس بگیرد. ۱۸۷۹ برنده اولین جایزه مندلسون در برلین بود، آنگاه به ایتالیا رفت و در ناپل با ریچارد واگنر آشنا شد و با دعوت او در بایروت^{۱۹۶} به ملاقاتش رفت. وی بین سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۱ برای

¹⁹¹ Wilhelm Furtwängler (1886-1954)

¹⁹² Engelbert Humperdinck (1854-1921)

¹⁹³ Ferdinand Hiller (1811-1885)

¹⁹⁴ Isidor Seiss (1840-1905)

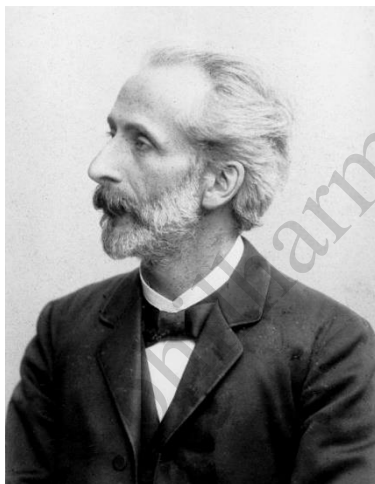
¹⁹⁵ Franz Lachner (1803-1890)

¹⁹⁶ Bayreuth

تهیهٔ درام موزیکال پارسیفال^{۱۹۷} به واگنر کمک کرد. همچنین آموزش پسر واگنر زیگفرید^{۱۹۸} را عهده‌دار شد و با بردن یک جایزهٔ دیگر سفر در ایتالیا، فرانسه و اسپانیا را شروع کرد و دو سال در کنسرواتوار بارسلونا به تدریس پرداخت. در ۱۸۸۷ بود که او دوباره به کلن بازگشت و در ۱۸۹۰ به عنوان پروفیسور در کنسرواتوار هوک^{۱۹۹} در شهر فرانکفورت آلمان و نیز به عنوان استاد هارمونی در مدرسهٔ وکال جولیوس اشتوکهاوزن^{۲۰۰} به کار مشغول شد. هامپردینک چندین کار برای گُر و هومورسک^{۲۰۱} را برای یک ارکستر کوچک نوشت که بسیار مورد توجه قرار گرفت. او با اپرای "هانسل و گرتِه" محصول ۱۸۹۳ شناخته می‌شود. هامپردینک در ۱۹۲۱ دار فانی را وداع گفت.



فرانس لاکنر



ایزیدور سائز



فردیناند هیلر

¹⁹⁷ Parsifal

¹⁹⁸ Siegfried Wagner (1869-1930)

¹⁹⁹ Hoch Conservatory

²⁰⁰ Julius Stockhausen's Vocal School

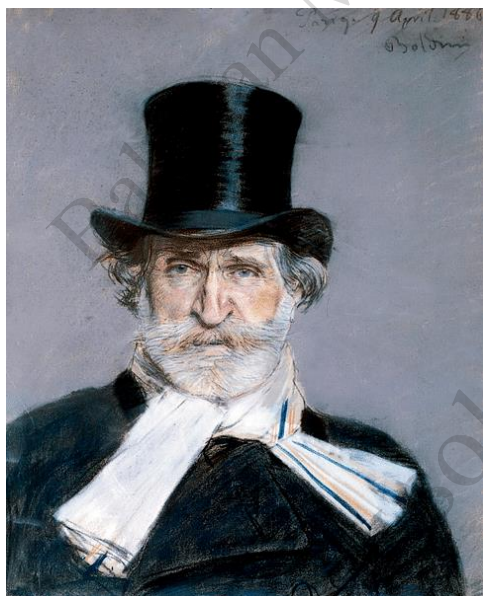
²⁰¹ Humoresque



ارمانو ولف فراری

ارمانو ولف فراری^{۲۰۲} آهنگساز و استاد موسیقی ایتالیایی متولد ۱۸۷۶ بیشتر به خاطر اپرا کمیک‌های خود شهره است. او در بچگی نواختن پیانو را آموخت؛ ابتدا شوق چندانی برای کار موسیقی نداشت و می‌خواست همچون پدرش یک نقاش بشود، لذا برای تحصیل نقاشی به ونیز، رم و مونیخ سفر کرد و در مونیخ بود که تصمیم گرفت در موسیقی تمرکز کند. پس آنگاه درس‌هایی را از ژرف راین‌برگ دریافت کرد و با ثبت‌نام در

کنسرواتوار مونیخ کلاس‌های تخصصی آهنگسازی و کنترپوان را گذراند و بدین گونه موسیقی همه زندگی او شد. وی اولین کارهای خود را در دهه ۱۸۹۰ نوشت و در ۱۹ سالگی به زادگاه خود ونیز بازگشت و رهبر گر شد



جوزپه وردی

و آنگاه جوزپه وردی^{۲۰۳} را ملاقات کرد. آثار سازی او متعلق به اوایل و اواخر زندگی حرفه‌ای‌اش است. از دیگر آثار فراری می‌توان به یک ویلن کنسرتو، کنسرتینو برای سنفونی مجلسی، یک پیانو کوئینتت، دو پیانو تریو، سه سونات برای ویلن، سونات چلو و پیانو و تعدادی کار برای ارگ اشاره کرد. او در ۱۹۴۸ جهان را وداع گفت.

²⁰² Ermanno Wolf-Ferrari (1876-1948)

²⁰³ Giuseppe Verdi (1813-1901)

GYMNOPIÉDIE NO. 1

from TROIS GYMNOPIÉDIES

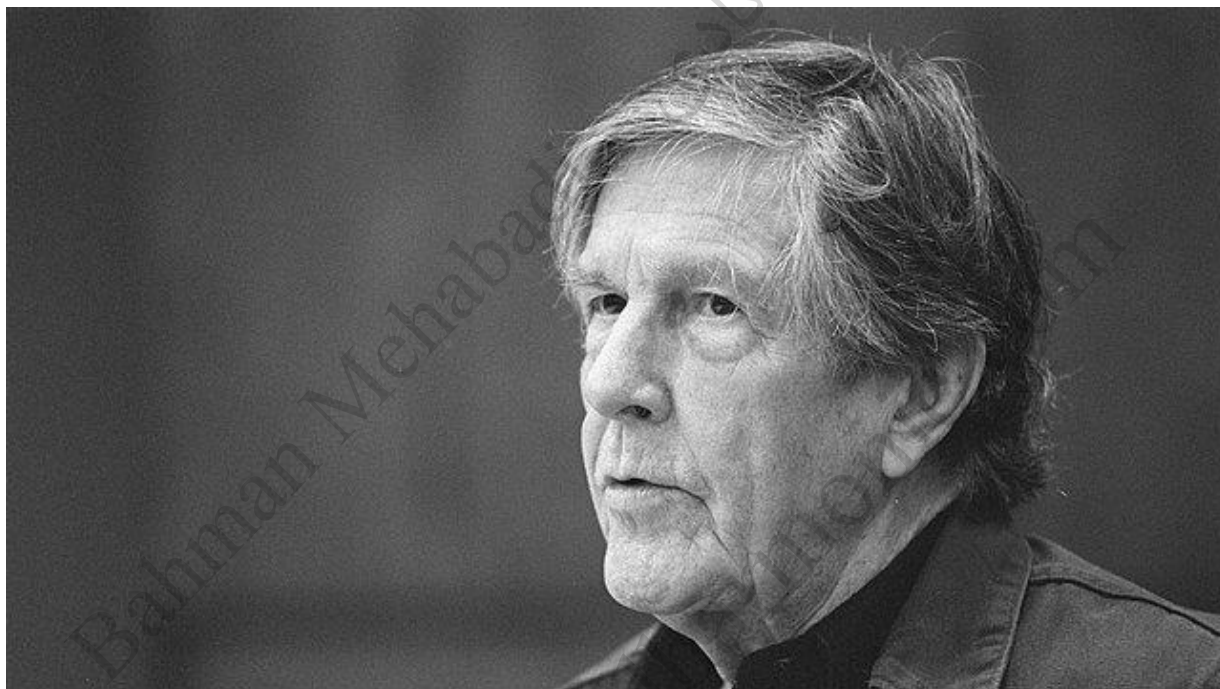
ERIK SATIE
1866-1925

Lent et douloureux

The musical score for Gymnopédie No. 1 is presented in five systems. Each system consists of a grand staff with a treble and bass clef. The key signature is one sharp (F#) and the time signature is 3/4. The tempo and mood are indicated as 'Lent et douloureux'. The score includes various dynamic markings: *pp* (pianissimo), *p* (piano), *cresc.* (crescendo), and *dim.* (decrescendo). The piece begins with a piano (pp) dynamic and a crescendo. The second system also features a piano (p) dynamic and a crescendo. The third system includes a decrescendo (dim.) marking. The fourth system features a piano (p) dynamic and a crescendo. The fifth system includes a decrescendo (dim.) marking. The score is watermarked with 'www.BaharMehrabadi.com'.

بخشی از قطعه ژیمنوپدی اثر اریک ساتی

جان کیج^{۲۰۴} موسیقیدان آمریکایی و از تأثیرگذاران مدرنیته در موسیقی آن کشور محسوب می‌شود. او تحقیقات وسیعی را در رنگ و طنین انواع صدا در روی بسیاری از اشیا انجام داده است. جان کیج که از شاگردان شوئنبرگ محسوب می‌شد در نواختن پیانو نیز از سرآمدان دوران خود بود. کیج با دستکاری‌های مخصوص در روی پیانو، موفق به تولید صداهای اصلاح شده گردید و آثار خود را برای ارکستر و "پیانوی تغییر یافته"^{۲۰۵} تصنیف کرد. او



جان کیج

با قرار دادن تکه های چرم، چوب و پلاستیک در لابلاهای سیم‌های پیانو، موفق به ایجاد صداهای نو گردید. قطعه "چشم‌انداز خیالی شماره ۴"^{۲۰۶} برای دوازده دستگاه رادیو که اولین اجرای آن در ۱۹۵۱ انجام گرفت، جزو کارهای شگفتی‌آفرین سده بیستم به حساب می‌آید. این اثر مستلزم ۲۴ اجرا به شکل دوتا برای هر دستگاه می‌باشد که با توجه به اولویت دینامیسم و نسبت صدا و سکوت مبتنی بر یک اتفاق ساخته شده است. جان کیج به عامل اتفاق در شکل‌گیری ساختمان یک قطعه معتقد بود و به همین دلیل، اتفاق، یکی از عوامل تشکیل دهنده ساختارهای موسیقی اوست. کیج با فراهم کردن آزادی‌های بی‌حد و حصر در تصنیف و اجرای موسیقی، روش‌های تازه‌تری را

²⁰⁴ John Cage (1912-1992)

²⁰⁵ Prepared piano

²⁰⁶ Imaginary Landscape No. 4

به آزمایش گذاشت. او با پناه بردن به بودائیسیم و اختیار گونه‌ای از زندگی شبیه به روش‌های زندگی آسیای جنوب شرقی، تعجب همگان را برانگیخت. کیچ چون دیگر پست‌مدرن‌ها، سهم عمده‌ای را برای شنوندگان موسیقی اختصاص داد و گاه از همه‌مه و صدای تماشاگران نیز به عنوان افکت‌ها و مکمل‌هایی برای موسیقی خود سود جوست. او از حدود ۱۹۵۰ چون دیگر آهنگسازان پست‌مدرن، عنصر اصلی اجرایی را که در آن همه چیز از قبل پیش‌بینی شده باشد را کنار گذاشت و به عامل تصمیم در حین اجرا روی آورد که این البته به اتفاق و جریان لحظه‌ای، بیشتر وابسته بود. این حرکت ظاهراً و در نهایت دوام خود را در سال‌های آتی از دست داد.



تری رایلی

دیگر نماینده مهم و پیشگام مینی‌مالیسم و آوانگارد در آمریکا تری رایلی^{۲۰۷} متولد ۱۹۳۵ ساکسیفونیست و آهنگساز است. صدا و نقش ساز او در پاره‌ای از قطعاتش به چشم می‌خورد. از آثار او می‌توان به "پیشینه کالیفرنایی"^{۲۰۸} که با برخورداری از ریشه‌های

آیین مذهبی و فضای واقع‌گرایانه ساخته شده و "خشخاش‌های بد و گروه فریبنده"^{۲۰۹}، "درس‌های کیبورد"^{۲۱۰} (۱۹۶۳)، "یک قطعه در دو"^{۲۱۱} متعلق به ۱۹۶۴ برای تعداد نامحدودی اجراکننده اشاره کرد. این دو کار از اجزای کوچک ملودیک تشکیل شده و عموماً جزء اولین کارهای کلاسیک مینی‌مالیستی شناخته می‌شود که تأثیر بسزایی بر دوستداران این نوع موسیقی داشته است. اثر دیگر او "رنگین‌کمان در فضای منحنی"^{۲۱۲} که مربوط به بداهه‌نوازی‌های او روی کیبورد و پرکاشن بود در سال ۱۹۶۹ منتشر شد که جزء نقاط عطف تاریخ موسیقی مینی‌مالیستی محسوب می‌شود. آثار تری رایلی تحت تأثیر موسیقی جاز و موسیقی کلاسیک هند شکل گرفته و با استفاده خلاقانه از تکرار، تکنیک‌های اجرای موسیقی کاست و سیستم‌های دیلی (تأخیر) به کلیت ساختاری

²⁰⁷ Terry Riley (1935-)

²⁰⁸ California Background

²⁰⁹ Poppy Nogood and the Phantom Band

²¹⁰ Keyboard Studies

²¹¹ In C

²¹² A Rain Bow in Curved Air

خود دست یافته است. رایلی تحصیلات خود را ابتدا با اریکسون^{۲۱۳} در کالج ایالتی سانفرانسیسکو (۱۹۵۵-۱۹۵۷) و در دانشگاه برکلی (۱۹۶۰-۱۹۶۱) به پایان برد و سپس از ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۴ در استودیوهای رادیو فرانسه به کار مشغول شد و در همان جا بود که به تکرارهای همپوشانی متیف‌های تونال کوچک علاقه‌مند گردید. وی بعدها در ۱۹۷۲ در کالج میلز^{۲۱۴} کلمبیا به کار آموزش پرداخت.

235. IN C
Terry Riley (b. 1935)

IN C by Terry Riley, published by Ancient Word Music (BMI)

In addition to the 53 notated minimal figures in the score, there is an unnotated piano part, the Pulse, consisting of the two highest Cs on the instrument's keyboard, which are repeated as even eighth notes throughout the composition. Each of the 53 notated figures is coordinated with the Pulse. Each of the notated figures is repeated an indeterminate number of times, at the discretion of each individual performer. The piece has no set length but can last several minutes or several hours, as determined by the performers. On Columbia recording MS 7178 the piece covers both sides of the LP disc. The CD number is MKS 7178.

بخشی از قطعه "در دو" اثر تری رایلی



استیو رایش

استیو رایش^{۲۱۵} آهنگساز آمریکایی متولد ۱۹۳۶ نشان داده است که تکنیک‌های مینی‌مالیستی می‌تواند در مقاصد جدی مورد استفاده قرار گیرد. "قطارهای در حال گذر"^{۲۱۶} برای کوارتت زهی

²¹³ Robert Erickson

²¹⁴ Mills Collage

²¹⁵ Steve Reich (1936-)

²¹⁶ Passing Trains

و صداهای از پیش ضبط شده تِرِن، یکی از آثار اوست. ضبط "موسیقی برای هجده موسیسن"^{۲۱۷} در ۱۹۷۸ بوسیله او باعث گسترش مینیمالیسم به عنوان یک جنبش شد. مشخصه کارهای او عبارت است از عناصر تکرار شونده و ریتم آرام هارمونیک و استفاده از فرم کانن^{۲۱۸}. رایش آثار بسیاری را در سالهای زندگی خود آفریده است که آوردن اسامی همه آنها غیر ممکن بنظر می‌رسد، آخرین کار او در ۲۰۲۰ قطعه‌ای بنام "نیایش مسافر"^{۲۱۹} برای دو تنور، سوپرانو، دو ویبرافون، یک پیانو، چهار ویلن، دو ابوا دو چلو است.

STEVE REICH (B. 1936)
Violin Phase (1979)

© copyright 1979 by Universal Edition (London) Ltd., London. All Rights Reserved. Used by permission of European American Music Distributors Corporation, sole U.S. agent for Universal Edition London.

بخشی از قطعه "ویلن فیز"^{۲۲۰} اثر استیو رایش

²¹⁷ Music for 18 Musicians

²¹⁸ Canon

²¹⁹ Traveller's Prayer

²²⁰ Violin Phase



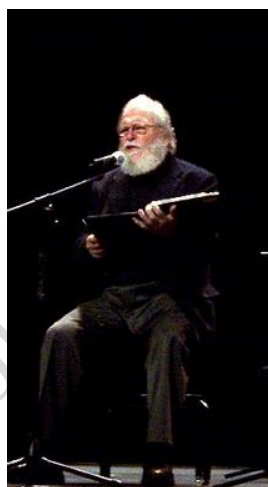
فیلیپ گلس اثر لوئیس آلوارز رو^{۲۲۳} - ۲۰۱۶

فیلیپ گلس^{۲۲۱} متولد ۱۹۳۷ پیانیست و آهنگساز آمریکایی و یکی از تأثیرگذارترین مصنفان مینی‌مالیست قرن بیستم به حساب می‌آید. او به عنوان آهنگسازِ ساختارهای تکرار شونده معروف است. گلس ابتدا تحصیلات خود را با نواختن فلوت در موسسهٔ موسیقی پی بادی^{۲۲۲} آغاز کرد و سپس برای تحصیل ریاضیات و فلسفه به دانشگاه شیکاگو رفت و در آنجا با سریالیسم آنتون وبرن آشنا شد و تریوی زهی دوازده تنی خود را تصنیف

کرد. سفر او به پاریس در ۱۹۵۴ باعث آشنایی‌اش با فیلم‌های ژان کوکتو شد که تأثیر بسزایی بر او داشت. سپس گلس به مدرسه جولیارد در نیویورک رفت تا کیبورد بیاموزد. از استادان آهنگسازی او می‌توان به وینسنت پرسی‌چتی^{۲۲۴} و ویلیام برکسما^{۲۲۵} اشاره کرد. از هم‌دوره‌ای‌های او استیو رایش و پیتر شیکله^{۲۲۶} شهرهٔ عام و



وینسنت پرسی‌چتی



پیتر شیکله - ۲۰۱۰



ویلیام برکسما

²²¹ Philip Glass (1937-)

²²² Pea Body

²²³ Luis Álvarez Roure

²²⁴ Vincent Persichetti (1915-1987)

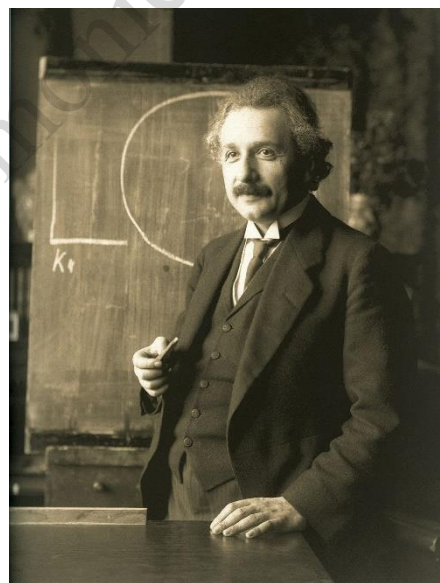
²²⁵ William Bergsma (1921-1994)

²²⁶ Peter Schickele (1935-)

خاص‌اند. گلس در ۱۹۵۹ برندهٔ جایزهٔ آهنگسازی بنیاد دانشجویان بی‌ام‌ای^{۲۲۷} شد. در تابستان ۱۹۶۰ از داریوس میلو درس گرفت و کنسرتو ویلنی را برای یکی از هم‌دوره‌های خود نوشت. بعد از اتمام تحصیلاتش در جولیارد به پیتزبورگ^{۲۲۸} در آمریکا رفت و به عنوان آهنگساز مدارس دولتی در ۱۹۶۲ استخدام شد و آثار بسیاری را به رشتهٔ تحریر درآورد. او از ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۶ را در پاریس گذراند و از نادیا بلانژه درس‌های آهنگسازی را آموخت که تأثیر شگرف آن در تمام آثارش هویداست. آنسامبل فیلیپ گلس از ۱۹۶۸ تا به امروز در جهت معرفی و اجرای موسیقی تجربی مینیمالیستی او به فعالیت خود ادامه داده است. گلس آثار بی‌شماری را در کارنامه خود دارد از آن جمله اپراهای "اینشتین در ساحل"^{۲۲۹} (۱۹۷۵)، "آختاتون"^{۲۳۰} (۱۹۸۳)، "گالیئو و گالیله"^{۲۳۱} (۲۰۰۲)، "کیپلر"^{۲۳۲} (۲۰۰۹)، پانزده اپرا و چهارده اپرای مجلسی، کارهای تأثر موزیکال، چهارده سنفونی، دوازده کنسرتو، نه کوارتت زهی و بسیاری موسیقی مجلسی و فیلم.

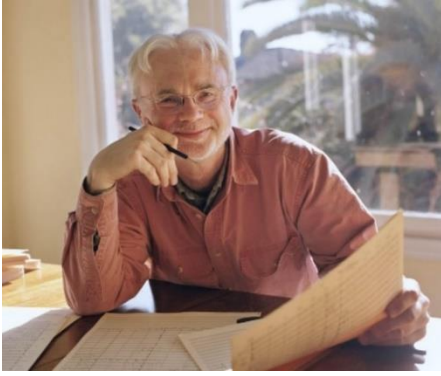


فیلیپ گلاس

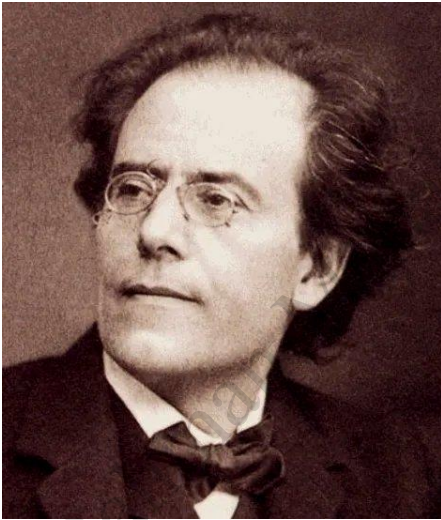


آلبرت اینشتین - ۱۹۲۱

227 BMI Foundation
 228 Petersburg, Virginia
 229 Einstein on the Beach
 230 Akhnaten
 231 Galileo Galilei
 232 Johannes Kepler



جان آدامز



گوستاو مالر



پوستر نیکسون در چین - ۲۰۱۵

جان آدامز^{۲۳۳} متولد ۱۹۴۷ آهنگساز و رهبر آمریکایی است. موسیقی او ریشه در مینی‌مالیسم دارد. شهرت او با اپراهای تاریخی خود عجین است. البته در کنار اپراهای تاریخی می‌توان از کارهای ارکسترال، کنسرتانت‌ها، وکال و کرال، مجلسی‌ها، الکتروآکوستیک‌ها و موسیقی برای پیانو نام برد. موسیقی آدامز به عنوان مینی‌مالیست یا پست‌مینی‌مالیست معرفی می‌شود. اگر چه او یک مینی‌مالیست است و از این جنبش پیروی می‌کند اما از طرفداران سرسخت آن محسوب نمی‌شود. وی تکنیک‌های مینی‌مالیستی رایش و گلس را در کارهای خود به کار می‌گیرد اما آثارش با بافت‌های ارکسترال غنی واگنر، مالر^{۲۳۴} و سیبلیوس ترکیب می‌شود، در اصل بسیاری از ایده‌های آهنگسازی آدامز واکنشی به فلسفه سریالیسم است که با ترسیم و تجسم علمی آهنگساز-دانشمند همخوانی دارد. او همچون دیگر مینی‌مالیست‌های هم‌دوره‌اش از یک ریتم واحد ثابت سود می‌جوید که کنترل و تعریف موسیقی او را ارائه می‌دهد. این ریتم ثابت ابتدا با کارهای تری رایلی شناخته شد اما به تدریج دیگر آهنگسازان نیز به آن گرایش پیدا کردند. آدامز نه اپرا یا کار صحنه‌ای، هجده کار ارکسترال، هشت کنسرتانت، پنج کار کرال و وکال، ده اثر موسیقی مجلسی، چهار کار دیگر برای آنسامبل،

²³³ John Adams (1947-)

²³⁴ Gustav Mahler (1860-1911)

پنج اثر برای کاست و موسیقی الکترونیک، شش اثر برای یک یا دو پیانو، پنج موسیقی فیلم و البته بسیاری دیگر در کارنامه خود دارد. اپرای بسیار محبوب و مردمی "نیکسون در چین"^{۲۳۵} از زمره آن هاست. "حلقه‌های لرزان"^{۲۳۶} اثر دیگر او مربوط به جامعه مذهبی آمریکای قدیم است که با سرودها و حرکات رقص همراهی می‌شود. نوزدهم به "دومین مکتب مصنفان آمریکایی نیوانگلند"^{۲۳۷} شهرت داشت که البته مربوط به نسل قبل از چارلز آیوز^{۲۳۸} بود. آثار چدویک متأثر از جنبش رئالیستی در هنر است که مشخصه ذاتی آن را تصویر زمینی زندگی مردم ذکر کرده‌اند. از آثار او می‌توان به اپراهای متعدد، سه سنفونی، پنج کوارتت زهی، پوئم سنفونیک^{۲۳۹}، موسیقی اتفاقی، آوازها و سرودهای گُرال اشاره کرد. او به همراه گروه دیگری از آهنگسازان به "باستن سیکس"^{۲۴۰} معروف‌اند. خاموشی ابدی او در ۱۹۳۱ اتفاق افتاد.



ایمی بیچ



جان نولز پین

²³⁵ Nixon in China

²³⁶ Shaker Loops

²³⁷ Second New England School (Boston Six)

²³⁸ Charles Edward Ives (1874-1954)

²³⁹ Symphonic poem

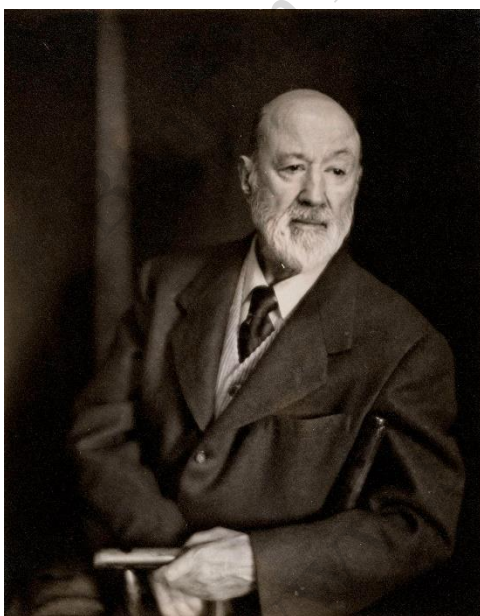
²⁴⁰ Boston Six



ادوارد مک‌داول



آرتور فوت



چارلز آیوز

چارلز آیوز^{۲۴۱} آهنگساز مدرنیست آمریکایی در ۱۸۷۴ به دنیا آمد. وی از اولین آهنگسازان آمریکایی شناخته شده در جهان بود اگرچه موسیقی او در ابتدا مدت‌ها نادیده گرفته شده به فراموشی رفت و هیچ فرصت اجرایی نیافت! او در کودکی از پدرش که سرپرست یک آنسامبل بود موسیقی را آموخت و در سیزده سالگی به عنوان ارگ‌نواز در کلیسا مشغول شد. وی در کنار یادگیری سازهای متعدد، اصول بکارگیری هارمونی و کنترپوان را نیز فرا گرفت. هنگامی که بیست سال داشت در دانشگاه ییل

تحصیل آهنگسازی را با هُراشيو پارکر آغاز کرد. این شروع با اشکالاتی همراه بود زیرا نوگرایی و تجربهٔ موسیقی نو آیوز از نظر پارکر مسئله‌ساز می‌نمود. لذا او راه خود را ادامه داد و موسیقی نامتعارف خود را نوشت اگرچه می‌دانست

²⁴¹ Charles Ives

از این راه نمی‌تواند روی درآمد موسیقی حساب کند. لذا در کنار آفریده‌های موزیکال غیرمعمول و دیسکونانس خود، به کار بیمه روی آورد تا خویش و خانواده‌اش را از فقر و گرسنگی نجات دهد و از راه درآمد آن بتواند خلاقیت موسیقایی خود را تقویت و محکم کند. آیوز در حرفه بیمه هم سرآمد همگان شد و کتابی نوشت که دیگر بیمه‌گزاران از آن سود بردند. او با حرص و ولع در ساعات بعد از کار بیمه و دیگر ایام به موسیقی پرداخت اگر چه از طرف دیگران دائم زیر فشار بود که موسیقی‌اش به درد هیچ نمی‌خورد. بی‌مهری و عدم قبول او از طرف جوامع هنری وی را از کار خلاقه خود باز نداشت. کارهای چاپی او که با هزینه خود و به طور خصوصی انجام می‌شد و برای دوستان، کتابخانه‌ها و موسیقیدانان ارسال می‌گردید، باعث ایجاد حس هم‌دردی و توجه به او نشد. اما آرام آرام موزیسین‌های جوان او را کشف کردند و موسیقی‌اش را گرامیداشتند تا اینکه در ۱۹۳۹ زمانی که او ۶۴ سال داشت یکی از آثارش به نام سونات گُنکورد^{۲۴۲} که متعلق به ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۵ بود به اجرا رسید و ستایش همگان را در نیویورک به همراه آورد. سومین سنفونی او (۱۹۰۴-۱۹۱۱) بعد از حدود چهل سال برنده جایزه پولیتزر^{۲۴۳} شد که با واکنش آیوز روبرو گردید. او گفت: "جایزه مال بچه‌هاست من دیگر بزرگ شدم." سالیان بعد همسر آرنولد شوئنبرگ بزرگ نامه‌ای به آیوز پیر فرستاد که آن را از میان یادداشت‌های شخصی همسرش پیدا کرده بود، در آن متن شوئنبرگ نوشته بود: "انسانی در این کشور زندگی می‌کند که یک آهنگساز است. او می‌داند چگونه خود را از تباهی نجات دهد و به آن چیره شود. او به نادیده انگاشته شدن خود از طرف دیگران اعتنایی ندارد و خود را با دیدگاه‌های آنان نمی‌سنجد. نام او آیوز است." آثار بی‌شمار او و تأثیر غیر قابل انکارش در موسیقی معاصر بر همگان معلوم است. از کارهایش می‌توان به "واریاسیون‌های آمریکایی"^{۲۴۴} برای ارگ (۱۸۹۲)، کوارتت‌های زهی، سنفونی‌ها و سنفونی "تعطیلات نیوانگلند"^{۲۴۵}، قطعه "پارک مرکزی در تاریکی"^{۲۴۶} برای ارکستر مجلسی، "سوال بی‌جواب"^{۲۴۷} برای گروه مجلسی، پیانو سونات‌ها و ویلن سونات‌ها، "امرسون کنسرتو"^{۲۴۸} و پیانو تریو را در

²⁴² Concord

²⁴³ Pulitzer Prize

²⁴⁴ Variations on America

²⁴⁵ New England Holidays

²⁴⁶ Central Park in the Dark

²⁴⁷ The Unanswered Question

²⁴⁸ Emerson Concerto

کنار آثار بی‌شمارش نام برد. در اصل کارهای او برای ارکستر سنفونیک، ارکستر کوچک، برای گُر، مجلسی و هسته‌های کوچک‌تر سازی تقسیم شده‌اند. آیزوز در ۱۹۵۴ ابدیت را پذیرفت و برای همیشه خاموش ماند.

در پایان لازم می‌دانم از دوستان و همکاران گرامی ام جناب آقای سیامک سلطانه‌لی‌زاده و سرکار خانم ارغوان صباحی برای همراهی‌های صمیمانه سپاسگزاری کنم.